غیرقابل توزیع نوشته شود (مرسولات معطله)

فهیم‌الملک - این لفظی که بنده عرض کردم چون در بعضی نوشتجات دولتی و بعضی مراسلات این لفظ نوشته شده است (مرسولات معطله) وآن اینست که صاحبش معلوم نیست وعنوان او هم محو شده است با آن شرحی که آقای مخبر و معاون وزارت اظهار فرمودند حالا اگر باین لفظی که بنده عرض کردم و همان چیزی است که معمول است در اسناد رسمی بهتر است ازاینکه یك چیزی تازه مصطلح کنند یالفظ غیرقابل توزیع.

رئیس - چون این اصلاح عبارتی است ومدلول ماده را تغییر نمی‌دهد بر می گردد بکمیسیون ماده ۱۲ قرائت میشود.

ماده ۱۲- وجوهاتی که باداره پست سپرده میشود ووجوهی که دریاکتهای غیرقابل توزیع یافت میشود و نمی تواند بهیچوجه بصاحبانش برساند پس ازانقضاء مدت سه سال ازتاریخ تحویل بپستخانه ضبط خزانه دولت می‌شود و همچنین اشیائی که در امانات پستی غیر قابل توزیع یافت می‌شوند وصاحبان آنها معلوم نیست بترتیب ومدتی که اداره پست معین می‌نماید بفروش رفته و قیمت آنها در صورتی که از طرف صاحبانشان مطالبه نشد پس از انقضای موعد فوق الذکر متعلق بخزانه دولت خواهد بود

(کمیسیون اینطور پیشنهاد کرده بود)

جزء اول فصل ۱۲ در کمیسیون از قرار ذیل تصویب شده بقیه از پیشنهاد وزیر هم وجوهاتی که باداره پست سپرده می شود و وجوهی که در پاکت های غیر قابل توزیع یافت می‌شود و پست خانه بهیچ وجه نمی‌تواند بصاحبانشان برساند تا سه سال در تحت نظر عمومی گذاشته می‌شود که صاحب آن پیدا شود واگر در آن مدت صاحبی برای آن پیدا نشد به خزانه دولت تحویل می شود ولی تاهروقت اززمان اگر کسی بدلائل قانونی مالکیت خودرا ثابت نماید اداره پست از خزانه استرداد و در وجه او عاید خواهد شد.

رئیس — مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد) بقیه این قانون میماند برای جلسه بعد قبل ازاینکه داخل بشویم یك مطلبی بود که لازم است عرض کنم اغلب از اوقات بعضی انجمن ها آقایان را می‌خواهند بتلگراف خانه و بعضی از اوقات این مقارن میشود با جلسات مجلس به آقایان از حالا عرض می کنم که بعد از این درصورتی که غائب بشوند وبتلگراف خانه بروند غیبت آنها را غیر موجه خواهیم دانست باید به انجمن‌ها اطلاع بدهند که روزهائی که مجلس یا کمیسیون دارند آنها را بخواهند و عوض اینکه (۱۵) یا (۱۰) نفر را بتلگراف خانه بخواهند ممکن است یك نفر را بخواهند و مطلب را باو بگویند (گفتند صحیح است) دستور پنجشنبه و شنبه سابقاً معین شده بود ولی بملاحظه اینکه لایحه استقراضیه امروز مطرح نشد دستور فرق می‌کند و علت آنهم این بود که طبع و توزیع نشده بود ولی امروز طبع شده و فردا توزیع میشود و برای پس فردا جزء دستور می‌شود پس دستور روزپنجشنبه از این قرار است لایحهٔ استقراضیه — قرار داد راجع بخالصجات— دستور روزشنبه بیست و دویم قانون استخدام و قانون ثبت اسناد راجع بموادی که درثانی بکمیسیون ارجاع شده است. دستور سه‌شنبه بیست‌پنجم بقیه قانون پستی راپورت شعبه پنجم راجع به نماینده گروس — بقدر چهل نفر ازآقایان هم تقاضا کرده‌اند که راپورت کمیسیون بودجه راجع بورثهٔ دکتر مورل در جزء دستور سه‌شنبه (۲۵) گذاشته شود [گفتند صحیح است].

حاج عزالممالك — راپورت کمیسیون بودجه راجع بامتداد خط تلگراف ازعراق بخونسار و کمره را می‌خواستم تقاضا کنم که دستور سه‌شنبه یا پنجشنبه گذاشته شود.

رئیس — عرض کردم که این قبیل تقاضا ها در مجلس کردن اسباب تضییع وقت می‌شود آقای ادیب‌التجار هم درباب فرستادن الوایح بنجف اشرف اجازه خواسته بودند که مذاکره بکنند وجزء دستور بشود بعضی تقاضای دیگر هم شده است چندجلسه قبل هم عرض کردم که آقایان میان خودشان مذاکره بکنند وهرمطلبی راکه می‌خواهند جزء دستور بشود خودشان یعنی مخبرین کمیسیونها بنویسند واقلا (۱۵) نفر تقاضا بکنند وبعد بیایند بهیئت رئیسه که در آنجا ملاحظه شده جزء دستور بشود.

معاون وزارت پست - پریشب گذشته و در جلسه سابق عرض کردم که کنترات مسیو مولیتر جزء دستور بشود زیرا که تقریبا ۲ماه است که از موعد کنترات اومی گذرد یك مرتبه جزء دستور آمده و رجوع شد بکمیسیون بودجه کمیسیون هم گویا موفق نشدند که اصلاحات خودشانرا تاامروز راپورت داده باشند وبهمان دلیل که عرض کردم این کارخیلی فوریت دارد وما نمی‌توانیم کار اداره مانرا مرتب بکنیم استدعا می کنم که این مطلب مثل سابق جزء دستور باشد تااین که هروقت که راپورت داده شد فوراً مطرح بشود.

رئیس - کمیسیون بودجه هنوز راپورت را نداده اند هر وقت راپورت دادند جزء دستور می‌شود.

ادیب‌التجار - تقاضا می کنم که در دستور شنبه بیاورید.

رئیس - چه‌چیز را؟

ادیب‌التجار - نظامنامه انتخابات را.

معززالملك - آنکه هنوز نوشته نشده است

ادیب‌التجار بنویسندخنده هم ندارد تقاضای دیگری هم داشتم درباب پرستاری که قرار بود از برای اعزام شاگردان بفرنك جزء دستور گذاشته شود چون هیچکاری ندارد تقاضا می کنم که جزء دستور بگذارید که زودتر بگذرد.

رئیس — ده نفر از آقایان که اسامی ایشانهم خوانده می‌شود تقاضا کرده اند که بعدازختم مجلس جلسه خصوصی منعقد بشود (تقاضای مزبور بمضمون ذیل قرائت شد).

ما امضاء کنندگان ذیل تقاضا می‌نمائیم که در آخر جلسه امروزی بجهة پاره‌ای مذاکرات لازمه جلسه بطور خصوصی منعقد بشود.

معتمد التجار. آدینه محمدخان. ادیب‌التجار کاشف. معاضدالسلطنه. هشترودی. معین‌الرعایا حاج محمدکریم خان. حاج مصدق الممالك. انتظام الحکماء. طباطبائی

رئیس — عرض بکنم که تقاضای آقایان موافق قانون اساسی لازم الاجرا است ولی بنده برای این که رأی ندارم ومشروطیت را مخالف می‌دانم باجلسه سری وتمام مطالب عقیده‌ام این است که باید علنا در مجلس مذاکره بشود و این است که بنده در همچو مجلسی ریاست نخواهم کرد (از طرف اغلب نمایندگان تصدیق شد) [مجلس نیم ساعت ازشب گذشته ختم شد].

جلسه ۲۳۷

صورت مشروح مذاکرات مجلس

روز سه‌شنبه ۲۰ شهر ربیع‌الثانی ۱۳۲۹

مجلس بریاست آقای مؤتمن‌الملك یك ساعت و نیم قبل از غروب آفتاب منعقد ۳ساعت وربع رسماً تشکیل شد.

آقای معاضدالملك صورت جلسه قبل راقرائت کردند.

(اسامی غائبین جلسه قبل ازقرارذیل قرائت شد)

آقایان اسدالله خان و دهخدا بدون اجازه

آقایان حاج شیخعلی — آقا سیدمحمد باقر ادیب با اجازه غائب بودند آقایان دکتر اسمعیل خان - ناصرالاسلام. ریك یکساعت و حاج آقا نیم ساعت بعداز وقت مقرر حاضر شدند.

آقاشیخعلی شیرازی — در صورت مجلس آقا شیخعلی را غائب نوشته بودند.

رئیس — حاج شیخعلی بود نه آقا شیخعلی

آقاشیخعلی — خوبست من بعد ایشان را خراسانی وبنده را شیرازی بنویسند تا مشتبه نشود دیگر این که در اعتبار نامه نمایندگان گروس کمیسیون رأی نداده بود خواستند از مجلس رأی بگیرند چون بنده اعتراض کردم قرارشد طبع وتوزیع شود این را قید نکردند.

رئیس — در صورت مجلس هم همینطور نوشته شده ۲مرتبه بخوانید (آنجزء ازصورت مجلس ۲مرتبه قرائت شد).

رئیس - جای اعتراض نیست دستور امروز لایحه استقراضیه قرارداد راجع بخالصجات قرارداد راجع بمسیو مولیتر ولی عجالتاً در صندلی وزراء کسی را نمی‌بینم که دفاع بکند.

معززالملك - چون این سه فقره که دستور امروز معین شده محتاج است بحضور وزراء وآنها حاضر نیستند لکن راپورت کمیسیون بودجه راجع بورثه مورل ازطرف وزارت مالیه تصویب شده و کمیسیون بودجه هم تصویب کرده حضور وزیر مالیه را هم لازم ندارد مخبر کمیسیون بودجه می تواند توضیحاتی اگر لازم باشد بدهد خوب است عجالتاً اورا مطرح قرار بدهید بلکه امروز بگذرد.

رئیس - چون آن مسئله را جزو دستورروز سه شنبه قرار داده‌ایم ممکن‌است آقایان مطالعات درآن‌نکرده باشند ولی‌چون بقانون استخدام سابقه داریم‌ومطالعه کرده‌ایم می‌توانیم قبلا مطرح‌مذاکره قرار بدهیم برای این است‌که راجع بیك وزیرمعین هم نیست‌که بیاید ودفاع کند مخالفی که نیست .

[اغلب گفتند صحیح است]

رئیس - این قانون درجلسه قبل تا ماده ۹ خوانده شد حالا از ماده ۱۰ شروع می‌شود.

ماده ۱۰ بعبارت ذیل قرائت شد .

ماده ۱۰ — مقرری وزراء ومعاونین ایشان‌و نیز مقرری هریك ازدرجات مذکوره در ماده ۸ موافق صورت ذیل‌است .

	قدر اقل	قدر اکثر
وزیر یکماهه	۳۵۰۰ قران	یکماهه ۵۰۰۰ قران
معاون «	۲۰۰۰ «	« ۳۰۰۰
معاون‌اداری		
درجه‌اول یکماهه	۱۹۰۰ قران	یکماهه ۲۴۰۰ قران
معاون‌اداره		
درجه‌دوم یکماهه	۱۵۰۰ قران	یکماهه ۲۰۰۰ قران
مدیر کل «	۱۸۰۰ «	« ۲۳۰۰ «
رئیس کل «	۱۴۰۰ «	« ۱۸۰۰ «
رئیس اداره «	۱۲۰۰ «	« ۱۵۰۰ «
رئیس شعبه «	۱۰۰۰ «	« ۱۳۰۰ «
نایب رئیس اداره «	۸۰۰ «	« ۱۱۰۰ «
رئیس دایره «	۸۰۰ «	« ۱۱۰۰ «
نایب رئیس دایره «	۷۰۰ «	« ۹۰۰ «
دبیراول «	۶۰۰ «	دبیردوم ۵۰۰ «
منشی‌اول «	۴۰۰ «	منشی‌دوم ۳۵۰ «
منشی‌سوم «	۳۰۰ «	ثبات‌وضباط ۲۵۰ «

روسای‌مستخدمین‌جزء

یکماهه ۱۵۰ قران یکماهه ۲۰۰ قران

پیشخدمتان ونواب‌وروسای‌مستخدمین

یکماهه ۱۲۰ قران یکماهه ۱۵۰ قران

یادو وسرایدارو امثال‌آن

یکماهه ۹۰ قران یکماهه ۱۲۰ قران

حاجی‌سیدابراهیم - بنده کلیتاً مراتب‌حقوق راکه‌تعیین کرده‌است نسبت باطلاعاتی که ازاوضاع حاضره بودجه دارند تمام را زیاد میدانم و علاوه گمان میکنم نسبت بین‌درجه پائین تر ودرجه‌بالاتر یك نسبت نیست مثلا می‌بینیم که تفاوت بین مدیر کل ودرجه اول ورئیس کل درحد اقل چهل تومان است درصورتی‌که تفاوت بین این دو درحد اکثر پنجاه‌تومان‌است‌باید‌اقلا‌همان‌نسبتی‌رارئیس کل یامدیر کل‌درحد اکثردارد‌همان‌نسبت‌را رئیس کل یامدیر کل درحد اقل داشته باشد یعنی اگرتفاوت درحد اقل اینکه چهل تومان است در حد اکثرهم همان نسبت چهل تومان است حالا این نسبت را با بنده درست‌ملتفت نشده‌ام یاموجود نیست ولی کلیتاً عرض میکنم‌که ماباید قدراقل راکمتر قرار بدهیم‌یااینکه بیائیم بگوئیم قدر اکثرش همینقدر می‌شودکه‌در اینجا حد اقل نوشته شده‌وحالا که قدراقل واکثر لازمست بنده قدراقل را قدراکثر می‌دانم ویکقدر اقل دیگری آنوقت باید معین بشود

دکتر حاج رضا خان - بنده درقدر اکثر معاون گمان می کنم‌که نسبتی ملحوظ نداده است بجهت اینکه دربارهٔ سایر مستخدمین نسبت حقوقی آنها درحداقل واکثربسته بارتقاء رتبه ومدت‌خدمت است ودرباره وزیر ومعاون نسبت باهمیت‌وزارتخانه است وقتیکه ثابت شد حقوق وزیر و معاون نسبت بآن آنوقت معاون یك وزارتخانه مهم‌که حد اکثر باورم می شود سیصد تومان خواهد بود و آنوقت حقوق اومساوی‌خواهد بودتااقدراقل حقوق‌یك وزیر این بکلی غلط است وبنده این را زیاد می‌دانم و پیشنهاد می‌کنم‌که قدراقل در معاونین صدو پنجاه باشد بجهت اینکه الان دربین معاونین وزراءسیصد تومان مواجب بهیچیك داده نمیشود وزارت مالیه‌که تایك درجه اهمیتش ازسایروزارتخانه ها بیشتراست دویست تومان مواجب دارد و معاون وزارت خارجه صدو پنجاه تومان است ومعاون وزارت داخله که خیلی اهمیت دارد دویست و پنجاه تومان می گیرد

معززالملك - بنده در این ماده عرضی که دارم یکی‌راجعست بمواجب وزیر بنده تصورنمیکنم صحیح باشد حقوق وزراء را مختلف قرار بدهیم یکی‌را سیصد تومان بدهیم ویکی را پانصدتومان وآنوقت مذاکره کنیم‌که کدام یك از وزارت خانها مهم تراست‌آیا سیصد تومان بدهیم یاپانصدتومان وبعقیده بنده این دلیلی‌که درماده بعد ذکر شده نمی‌تواند انسانرا متقاعد کند اگریك وزارت خانه چندان اهمیت ندارد اورا لازم نیست‌که یك‌وزارت‌خانه قرار بدهید اورا جزء یك وزارتخانه دیگری قرار بدهید ولی همینکه وزراء گفته شد یعنی‌این وزیری که این وزارت خانه باو تفویض شده است ازحیث مقام مساوی باشد اگر حقوق سایر وزراء پانصد تومان است حقوق او هم باید پانصد تومان باشد تبعیض کردن وبرای یکی پانصد تومان‌معین کردن وبرای دیگری سیصد وپنجاه تومان این‌را بنده صحیح نمی دانم مسئله دیگری‌که می خواستم عرض بکنم اینست که این ماده مربوط است بماده (۹) درماده (۹) درجات معین شده است ودر این ماده حقوق آن درجات تعیین می‌شود حالا این درجاتی‌که اینجا ذکرشده است صحیح نیست وبنده یك پیشنهاد کرده ام از این باب وبنابر اظهاری‌که آقای‌مخبر درخارج کردند که‌آنرامی‌پذیرند وارجاع آنرا بکمسیون تقاضا بکنند اگر آن تقاضا را بپذیرند لازم نیست پیشنهاد بنده خوانده شود در کمیسیون که رفت اصلاحات در این مراتب حاصل می‌شود بجهت اینکه در اینجا نمی‌توانیم مذاکره کنیم .

فهیم‌الملك — مخبر کمیسیون قوانین مالیه اما اختلافیکه در مقرری وزراء ومعاونین آنها مقرر شده است جهتش همین‌بوده که درحقیقت آقای‌معززالملك اظهار فرمودند چون کارهای مملکت را باید بچندقسمت تساوی قسمت کردو هریك‌از آنهارا یك وزارتخانه قرار داد آنوقت‌تمام‌زحمتشان‌مساوی‌خواهد بود واگریکوزارتخانه حالا زحمتش کمتر است‌بعضی از ادارات دیگر را جزئش کنندکه‌ازهرجهت‌زحمات وزارتخانه ها مساوی باشد وازحیث اهمیت‌هم‌مساوی باشد واین‌مسئله هنوز اینجامنظور نشده است بعضی ازوزارتخانه‌ها خیلی زحمت دارد بعضی کمتر زحمت دارد بعضی‌ازوزارت‌خانه‌های ماحکم یك‌اداره‌را دارند وباید یکمدیر کل‌برای آن معین‌شده حقوق‌مدیر کلی بآنها داد اگر آن‌مسئله منظور نشود وزارتخانه ها بطور متساوی تقسیم نشود معاون‌ووزیرممکن‌است یکحقوق برند و آن فرمایش دکتر حاج رضا خان صدق‌میکند زیرا که وقتیکه زحمات آن مساوی شد حقوق آنها هم مساوی نمیشود و اگر زحمات آنها مساوی شد حقوق آنها هم مساوی میشودهیچ‌اختلافی درحقوق آنها نیست قدر اقل‌واکثر هم‌نخواهد داشت یك میزان‌معینی‌است‌ولی‌امروز اینطور نیست بعضی وزارتخانه‌ها زحمتشان کمتراست بعضی خیلی زیادتر است‌پس میزان نمیتوان قرارداد و نمیتوان حق داد که‌یك میزان حقوق‌بگیرند پس‌این ترتیب‌حقوق‌تعیین کردن لازمه آن چیزیست که امروزه‌درمملکت‌مجری است حالاجهاتش‌رابطوریکه‌فرمودنددرخارج‌مذاکره کردیم وآن ایرادیرا که‌فرمودند عرض‌کردم که‌این ایراد درحقیقت هم مخالف بااین قانون نیست بجهت اینکه‌میگویند اینطور اصلاح شود خودم خواستم‌که بیاید بکمیسیون و خودشان‌هم حاضر خواهند شد مذاکره میشود.

آقاشیخ‌ابراهیم‌زنجانی — بنده کلیه این ماده را بی‌ترتیب میبینم آنجااین بودجه است که‌اینجا بقران رأی خواهیم دادآیا این قانون دائمی خواهد بود یااینکه دوساله‌است‌بچه قسم‌رأی‌خواهیم‌داد‌بعقیده بنده اینجا بوجه‌رأی دادن و در قانون وجه‌را معین کردن هیچ صحیح نیست واز اول خوب نشده است اول درجات را باید تعیین‌بکنند ده‌درجه مثلا آنوقت درجات را نسبت‌بیکدیگر یك‌میزانی تفاوت ملاحظه میکنند مثلا درجه‌اول‌رابادویم‌یکربع‌تفاوت میگذارند یعنی درجه دوم یکربع مواجبش‌از درجه اول کمتراست درجه اول هرقدر که حقوقش باشد در بودجه مقرراست و نوشته خواهد شد هرقدرکه در بودجه مواظب درجه‌اول منظورشده است درجه‌دوم یك ربع مواجبش ازاوکمتر خواهد شد وهمین‌طور درجه دوم نسبت یك ربع سیم کمتر است از درجه دوم هکذا درتمام درجات‌این‌نسبت ملحوظ ومنظوز است یااینکه میزان رایك خمس قراربدهند هرقسم قراردادند‌آن‌نسبت‌را در تمام درجات ملحوظ‌بدارند این ترتیب برای تصویب بودجه وتحصیل امورات یك وزیر راکه رأی دادند می‌دانند که درباره‌سایر وزراء چه قسم باید رای بدهند یك‌معاون راکه‌رأی دادند می‌دانند‌که‌درباره سایرمعاونین چه رأی‌بدهند و هین‌طورسایرمراتب تابرسد‌بدرجه‌آخر مستخدمین باید تعیین کرددرجه‌دوم یك ربع‌تفاوت داردبادرجه اول آن وقت نسبت اول باکثررا باید چهار قسمت کرد یعنی آن تفاوت مواجب درجه اول‌را تادرجه دویم باید چهارقسمت کرد فلان درجه و فلان درجه وفلان و فلان در تمام‌آنها باهم باید متناسب باشد بحیثیتی‌که این‌بودجه‌را پیشنهادهر کس‌بکنندیکی را که فهمید ازپائین تا بالا هم بداند چه نسبتی‌در بین اینهااست تمام آنرا تا به پائین همه‌را بدهند به این که مبلغ رادراینجا ذکرمی کنند مبلغ اینجا هیچ نباید ذکردبکنند بجهت این که این رأیکه دادیم ابدی خواهد شد ابداً ابدی نخواهد بودآیا

این بودجه است این‌هم‌که نیست پس‌باید دراینجا ترتیب راذکر کرد بدون مبلغ .

فهیم‌الملك — این‌ها عین مذاکراتیست که در قانون دیوان محاسبات برای مقرری اعضاء دیوان‌محاسبات مذاکره شد این‌ها بردجه نیست یعنی در اینجا تصویب می کنیم‌که الان بروید یك خرجی بکنید مطابق این‌که‌تصویب‌میکنیم ولی‌یك میزانی برای مخارجی‌معین می کنند واین برای‌این است‌که‌بودجه رانخواهند بوسیله‌آنقدر دچاراشکالات نشوند زودتر بنویسندوبیاورند‌بمجلس‌به‌مجلس‌هم که آمده‌مجلس از روی‌میزانی‌که در دست هست‌تصویب بکنند‌دیگرازبرای‌هرجزئی‌یك‌تومان‌دوتومان‌بالاوپائین چندین جلسه مجلس را معطل نکنند ووقت مجلس را تضییع نکنند ازبرای این میخواهند یك‌اساسی و میزانی معین کنند حالا آقای آقا شیخ ابراهیم میفرمایند در این‌جا باید یك اساسی معین شود وقتی‌که حقیقت داشت ملاحظه بفرمائید اینجا هم همینطور اساسی معین شده است‌زیراکه در درجات آنها مذاکره‌میکنیم ودرجات آنهارا معین میکنیم و این‌که میفرمایند در درجات پائین‌نسبت به بالا باید یك میزانی گرفت‌ویك‌نسبتی را دردست‌داشت‌و این‌هیچ ممکن نیست بجهت اینکه وقتی که بیائیم بدرجات پائین ممکن است یك‌مشکلات دیگری‌جلو ماباشد امروز باوضع مالیه مملکتی چه‌خواهد بودحالا اگر حرف دراین است‌که قدیرا شاید زیادی معین بکنند آن‌یکحرفی است وممکن است وقتی که‌بودجه آمدآنوقت یك کم‌وزیادی‌بکنند آن‌درجاتیکه‌بودجه معین می‌شود ملاحظه می‌شود ولی نوشتن اینطوری نیست که دست مجلس‌را ببندد ممکن‌است بعدهم‌تغییر بدهند شاید پنج شش‌سال بعد مقتضی‌شدکه اعدادی که‌نوشته‌اند تغییر بدهند آنوقت یکمادهٔ قانون وضع می‌شود وبمجلس میآید ومجلس همیشه حق‌خواهد داشت‌که بمقتضاء واقتضاء وقت یکمادهٔ قانونیرا نسخ ومادهٔ دیگری بجای آن وضع‌کنند بهر طوری که مناسب میداند آنرا تغییر وتبدیل بدهد.

شیبانی - بنده عرضم در خصوص تعداد این دوائر بود که درمادهٔ ۸هم مفصلا عرض‌کردم وآقای مخبر جداً ردکردند بنده‌هم متقاعد نشدم و باز جداً عرایض خودم‌را عرض میکنم که اینمعاون اول ودوم وسوم‌راکه ماابنجا رأی دادیم یکمیزانی هم اینجا تصدیق‌می کنیم که باید حقوق ببرند فردا اگر یك وزارتخانه آمد ویك معاونیرا بی‌قاعده قبول کرد هیچ راه قانونی نداریم که بگوئیم که چرا دومعاون آورد یاسه تا آورده درصورتی که ماامروز می‌بینیم که یك معاون کار این سه معاون که اینجا نوشته‌شده می کنند وکفایت هم میکنند واما درباب اهمیت وزارتخانه‌ها که مخبر فرمودند از حیث اهمیت و زحمت مساوی نیستند بنده مساوی میدانم بجهت اینکه هروزارت خانه اگرکار نکرد ممکن است اهمیت آنرا ازبین ببرد و اما اگرکار بکند و از عهدهٔ تکالیف خودش برآید گمان میکنم که خیلی اهمیت داشته‌باشدوخیلی وقت‌هم بخواهد وزحمت هم نداشته باشد واز حیث میزانیکه معین شده‌است برای حقوق آنرا آقایان فرمودند وبنده دیگر زیاد میدانم که داخل شوم‌در مذاکره آن .

مشیرحضور — بنده می‌خواستم ازآقای مخبر بپرسم که‌مقرری‌رئیس‌الوزراء آنجا تعیین‌نشده است اگرمیخواهید برئیس‌الوزراء هم همان مقرری یکوزیر را بدهید آنوقت گاه میشودکه‌رئیس‌الوزراء بی (پرت‌فوی) میشود آنجا چه‌خواهید کرد

فهیم‌الملك — چون تاکنون معمول بوده است که رئیس‌الوزرا هم‌دارای یکوزارتخانه داده‌است واگر یکوقتی‌شد که دارای (پرت‌فوی)نبودند ممکن است یکمقداری برای او دربوجه معین‌کنند ودر صورتیکه باپرت‌فوی شد آنوقت هم درضمن بودجه یکماده معین می کنند چون یکچیزی نیست که‌نظائر متعدده داشته باشد که یکقانونی برایش‌لازم‌باشدوضع کنیم .

رئیس — مذاکرات کافی نیست ؟گویا کافی باشد — یك پیشنهادی دکتر حاج رضاخان کرده‌اند خوانده میشود.

(باین‌عبارت خوانده‌شد)

(این بنده پیشنهاد میکنم حداکثرمقرری‌معاون دویست وپنجاه تومان باشد (دکتررضاخان).

معززالملك - بنده‌هم پیشنهادی کرده‌ام

رئیس — خوانده می شود (بعبارت ذیل خوانده‌شد).

ماده ۱۰ — وزیر یکماهه پانصدتومان

رئیس - اینهم‌اصلاحی است که آقای‌نیرالسلطان پیشنهاد کرده‌اند خوانده‌میشود (باین‌عبارت‌خوانده‌شد)

درمادهٔ ۱۰ مقرری وزراء ومعاونین‌وسایرمستخدمین را بطریق ذیل پیشنهاد می‌نماید (نیرالسلطان)

وزیر یکماهه	۴۰۰۰ قران	(یکماهه)	۴۰۰ تومان
معاون «	۲۰۰۰ «	«	۲۰۰ «
معاون‌اداری «	۱۳۰۰ «	«	۱۳۰ «
مدیر کل «	۱۲۰۰ «	«	۱۲۰ «
رئیس کل «	۱۱۰۰ «	«	۱۱۰ «
رئیس‌اداره «	۱۰۰۰ «	«	۱۰۰ «
رئیس‌شعبه «	۹۰۰ «	«	۹۰ «
رئیس‌اداره «	۶۰۰ «	«	۶۰ «
رئیس‌دائره «	۵۰۰ «	«	۵۰ «
دبیراول «	۵۰۰ «	«	۵۰ «
منشی «	۳۵۰ «	«	۳۵ «

رئیس — اول رأی میگیریم بپیشنهاد دکتر رضاخان حالا توضیحی دارید بدهید.

دکترحاج رضاخان — بنده اینکه‌سیصد را صدوپنجاه کرده‌ام ازاین نظر بوده‌است که‌تاکنون دربین مستخدمین ادارات هنوز مواجب سیصدتومانی معین نشده است واگر نظرتان حداکثر است‌دربارهٔ معاونین که وزارت‌خانه آنها دارای اهمیت و شغلشان بازحمت است آنوقت از اول هروزارت‌خانه همان سیصد تومان‌را معین میکنند.

رئیس — رأی میگیریم باین پیشنهاد حاج دکتررضاخان بطوریکه خوانده شد هرکسی این پیشنهاد را قابل توجه میداند قیام‌نماید — (قابل توجه‌شد).

حالا رأی میگیریم پیشنهاد آقای معززالملك که پیشنهاد کرده‌اندبهریك‌ازوزراء پانصدتومان‌دادش ود آقایانیکه قابل توجه میدانند این پیشنهاد را قیام نمایند (ردشد) حالا بایدرأی بگیریم به پیشنهادآقای نیرالسلطان دومرتبه خوانده میشود وتوضیحی‌بدهند بعد رأی می گیریم (ومجدداً پیشنهاد نیرالسلطان خوانده شد).

نیر السلطان — بنده عرض میکنم چون بودجه مملکت ما امروز معلوم است که چقدر کسر دارد وچقدر ضیق مالیه داریم وچون معلوم است که بااین حقوق که برای معاونین و سایرین معین شده است معلوم است مالیه مادرست کفاف نمیدهد به این جهت بنده این پیشنهادرا کرده ام .

فهیم الملك — اینجا دوعیب بود یکی آنکه نسبتی که باهم گرفته اندردرجات خیلی‌متفاوت است بعضی درجات تفاوت خیلی جزئی دارد وبعضی تفاوت خیلی کلی دارد و بعضی احزاء جزء ادارات هستند که اینهارا تمام بیك کلمه منشی نوشته اندواین خودش خیلی معین است در موقع نوشتن بودجه را نیز اگر بملاحظه صرفه جوئی پیشنهاد کرده اندممکن است درتقلیل عده درادارات ملاحظه کنند لازم نیست که پانصد نفرجمع نمایند یکی ده تومان بدهندپانصد نفررا صدنفر بکنند وحقوق‌کافی بآنها بدهند.

رئیس — رای میگیریم باین اصلاح آقای نیرالسلطان بترتیبی‌که قرائت شد آقایانی که قابل توجه میدانند این اصلاح راقیام نمایند (ردشد) — حالا اصلاحی ازطرف آقای لواء الدوله پیشنهادشده است خوانده میشود (باین عبارت‌خوانده شد) بنده پیشنهاد میکنم که حقوق مستخدمین حداکثر و حداقل ازقرارتفصیل ذیل مرقوم شود درماه وزیر ۵۰۰ تومان رئیس کل ۱۰۰ تومان منشی سوم ۲۵ تومان

معاون ۲۰۰ تومان دبیراول ۵۰ تومان ثبات وضباط ۲۰ تومان

نایب الوزاره اول ۱۲۰ تومان دبیراول ۴۰ تومان مدیراداره ۹۰ تومان

نایب الوزاره دویم ۱۰۰ تومان دبیر منشی اول ۲۵ تومان رئیس اداره ۸۰ تومان

مدیر کل ۱۱۰ تومان منشی دوم ۳۰ تومان

نایب رئیس اداره ۶۰ تومان

رئیس دایره ۶۰۰ قران - نایب رئیس دایره ۵۰۰ قران

رئیس — نایب الوزاره اینجا نوشته اید و نایب الوزاره هم نبود مقصودتان ازاین چیست معاون اداریست ؟

لواء الدوله — بلی بلی.

رئیس — دومرتبه بخوانید (بااصلاح تبدیل لفظ نایب الوزاره بمعاون اداری خوانده شد)

لواء الدوله - عرض کنم چون اینها بمراتب ترقی میکنند مثلاثبات وضبا ! ممکن است حقوقشان بدرجهٔ منشی دوم وسوم برسد و از این قرار برسند بوزارت واینها ترفیع رتبه‌است که‌کم کم میرسدبحد اکثر واینکه نوشته بوده نایب الوزاره نظر به این ترتیب بود ازروی آنصورت اولی بود واینجا حداقل واکثرش نوشته نشده بود فرق‌گذاشته بودم و اینجا فراموش کردم بنویسم .

فهیم‌الملك — بنده میخواستم بدانم آقای لواءالدوله که رئیس کل ومدیر کل رایکصد تومان پیشنهاد کرده اندچه تصور کرده اند میخواستم بدانم از رئیس کل و مدیر کل همان راملتفت شده اند که منظوربوده واینرا نوشته اند یاخیر یك‌صورتی اینجا

بوده آنرا برداشته اند و آنرا نوشته اند باید معین شود که رئیس کل کیست و کارش چیست آنوقت این حق رابرای اومعین میکنند این باید معلوم شود که مقصودشان چه بوده است .

رئیس - رأی میگیریم باین پیشنهاد اصلاحیه آقای لواء الدوله و آقایانیکه این اصلاح راقابل توجه میدانند قیام نمایند (ردشد) اصلاحی است ازطرف آقای مشیر حصور پیشنهاد شده است خوانده میشود پیشنهاد مشیرحضور - بعبارت ذیل خوانده شد بنده پیشنهاد میکنم که درمادهٔ ۱۰ قانون استخدام نوشته شود — رئیس الوزرا پنجهزار قران تنبیه - اگر رئیس الوزراء وزارتخانه داشته باشد مقرری علیحده نخواهد گرفت .

مشیرحضور - اگرچنانچه یك رئیس الوزرائی بی وزارتخانه باشد مقرری او را هم باید بنویسند بجهت اینکه مقرری سایر مستخدمین کلیه نوشته شده است .

فهیم الملك - عرض بنده این بود که این درجائیکه اینجا نوشته شده است در ادارات دولتی متعدد است لکن رئیس الوزراء یکی است نظائر دیگر ندارد حالا اگر ما اینجا بنویسیم یك رئیس الوزراء بی وزارتخانه رااین چندان اهمیت ندارد ممکن است وقتیکه یك چنین رئیس الوزرائی پیدا کردیم یك - ماده در اینخصوص در بودجه بنویسیم واین چندان اهمیتی ندارد .

رئیس - رأی می گیریم به پیشنهاد آقای مشیرحضور کسانیکه موافقند بااین پیشنهاد قیام نمایند (ردشد) یك پیشنهادی آقای قمی کرده اند که برای معاون وزیرحداقل یکصدوپنجاه تومان معین شود آقایانیکه موافقند واین پیشنهادراقابل توجه میدانند قیام نمایند - ردشد پیشنهادی آقای حاج شیخ اسدالله کرده اند خوانده میشود .

شیخ اسدالله — بنده پس می گیرم پیشنهاد خودم را .

رئیس — ماده یازدهم - (باین عبارت خوانده شد)

ماده ۱۱ - مقرری وزراء ومعاونین ایشان ثابت بوده و تفاوت حداقل واکثر مقرری هم درجه نسبت بقدمت خدمت معین میشود تفاوت قدر اول واکثر مقام مدیری کل تاثایب رئیس دایر بسته بلیاقت و مدت وخدمت مستخدم است درمراتب دبیری ثابتات وضباط اضافه مقرری با ترفیع رتبهٔ توام خواهد بود تفاوت قدراقل واکثر رؤسای مستخدمین جزء بسته باهمیت وزارتخانه ومدت خدمت مستخدم است تفاوت قدراقل واکثر مقرری پیشخدمتان ویادونسبت بمدت خدمت است .

شیخ اسدالله — بنده دراین دوسه ماده که راجع بحقوق مستخدمین است کلیتاً عرض داشتم و یکی ازآنها همین ماده است وعرض می کنم که این قانون قانون استخدام وتعیین شرایط مستخدمین است که از ابتداء تابحال این قانون خوانده میشود ونمیدانم بچه ملاحظه حقوق مستخدمین راهم در ضمن این قانون آورده اند مثل اینکه ازبرای وزیر و معاون ومدیر ورئیس یك درجاتی قرارداده اند ازقراریکه درمادهٔ قبل می نویسد و بااینکه این معلوم است که ادارا تمان قانون تشکیل ندارد که از روی آن قانون تشکیل شده باشد و هر وزیری چند معاون داشته باشدو مستخدمین جزء حقیرتر باشددرصورتی که قانون تشکیلات نیامده است آنوقت اینرا که ماالانجا تصویب کردیم دست مارا درقانون تشکیلات می بندد و نمی توانیم در قانون تشکیلات تبعیضی بکنیم بملاحظه اینکه دراینجا پیشاپیش حقوق قرار داده ایم و حقوق اشخاص را که نمی دانیم در اداراتمان لازم داریم یانه اینستکه بنده این مواد را اینجا زیادی میدانم واگر آقای مخبر توضیحی دارند بفرمایند .

فهیم الملك - فرمودند این قانون برای شرایط دخول مستخدمین است شرایطی راکه بناشد تکلیف بکند ازبرای دخول درخدمت بدیهی است مستلزم یك اجر ومزدی خواهد بود ازبرای قبول آنخدمت امروز یك قانون که می نویسیم باید آن اجرو مزدرا هم معین کرد امروز قانون که اعلان می کند که دخول بخدمت شرایطی دارد باین شرایط مستخدم قبول می شود باید تحصیلاتش فلان قسم باشد معلوماتش باین درجه باشد اینستکه رفت زحمت کشید این درجات راتحصیل کرد .

آنوقت درمقابل مزدو اجرت اوچه خواهد بود مقام چه خواهد داشت حقوق چه خواهد داشت تا زمانیکه درخدمت است چه حقوق خواهد داشت اگر معاف شد ازخدمت یعنی بادرستی خدمت کرد ومعاف شد اینکه معزول شد مدتی بجای شغل او دیگری منصوب شد واوانتظار خدمت داشت در این مدت حقوق چه خواهد داشت اگر پیر شد چه خواهد داشت اگر تقصیر کرد یك مجازاتی خواهد شد وقتی که این ترتیبات راممین کردید که یك کسی که این تحصیلات راکرد واینطور خدمات کرد درآنیه زندگانی اوچه خواهد شد وچه نوع بااو مساعدت خواهید کرد دولت آنوقت که مطمئن شد چه خواهد داشت هرقدر شرایط راسخت تر کنند او باکمال میل میرود آنجارا تحصیل می کنند تا این که دارا باشد که شاید بخدمت واصل شود ولی شرایط را هرچه سخت کنید که تحصیل فلان قدر ولی نمی داند که حقوق اوچه خواهد بود اگر مرد تکلیف اولاد اوچه خواهد بود اگر امروز فرضاً او را از خدمت معاف کردند و دیگری بسر خدمت او آمد تکلیف او چه خواهد شد خواهد رفت درخانه خودش نشست یا اینکه یك مساعدتی با او میشود آنوقت باکمال میل می رود تحصیل می کند وباکمال اطمینان خدمت میکند این مواد اخیر لازمهٔ آن شرایطی است که در اول ذکر می شود واینکه میفرمایند اینها را که ما نوشتیم دست مارا می بندد و بجهت اینکه نمی دانیم چه عده لازم داریم وتشکیل وزارت خانه ها معلوم نیست ازروی چه میزانی وچه قانونیست درتشکیلات وزراء داخل بشویم تشکیلات معین شده است و ترتیب تشکیلات با وزراست ربطی بمجلس ندارد وزیر باید تشکیلات اداری خودش را بدهد لکن مجلس از راه بودجه فقط می تواند داخل مذاکره آن بشود وقتیکه بودجه را آوردند بجهتی اگر یکی از تشکیلات را لازم ندانست مجلس ممکن است بگوید که این اعضاء این اداره را لازم نمی دانیم آنوقت اگر وزیر توضیحات داد و مجلس قانع نشد آنمخارج را قبول نمی کند والا هیچ نمی گوید این اداره را باید داشته باشی یانباید داشته باشی و ترتیبات تقسیمات کار ادارات راجع بمجلس نیست ونباید هم باشد فقط بودجه آنها با مجلس است وباید بودجه آنها بیاید بمجلس واز مجلس بگذرد واین چیزی نیست که دست مجلس را در آنیه ببندد بودجهٔ آتیه نوشته شده بمجلس می آید ومجلس از آنراه نظریات خودش را میکند .

حاج شیخ الرئیس — بنده در ماده سابقه عرض داشتم و اظهار نکردم و گفتم در ماده ۱۱ چون مربوط باوست عرض رابنمایم بنده کلیةً موافقم با همان ترتیباتی که پیشنهاد شده است در مواجب وزراء وسایر معاونین وزراء ولی فقط دراینخصوص که حداقل را کثررا نسبت باهمیت وزارت خانه ها ملاحظه کرده اند مخالفم زیرا که بنده هیچ یك از وزارت خانه هارا نسبت بیکی دیگر اهمیت نمی دهم برای اینکه همه درمقام خودشان دارای اهمیتند بنده هیچ نمی توانم تصور بکنم که وزارت خارجه یا وزارت داخله یا وزارت جنگ نسبت بهم دیگر کدام یك از انها مهم می باشند و نسبت بدیگری اهمیت دارند همه وزارتخانه ها مهم بلکه اهمند و در وقتیکه می خواهم تعیین یك مقرری برای وزارت خانه ها بکنیم هرگاه بخواهیم دراین ضمن اهمیت هریك از وزارت خانه هارا معین بکنیم این مسئله تولید محظورات و اشکالات سختی برای ماخواهد کرد بعلت اینکه این وزیر می گوید وزارت خانه اهم است آن یکی می گوید وزارت داخله اهم است وراست هم میگوید بجهت اینکه همه درمقام خودشان دارای اهمیتند ومهمند وهیچکدام را بردیگری ترجیح نمی توان داد واستدعا می کنم که این کاررا نکنند که تولید اشکالات برای وزراء ومجلس میشود و اسباب پارهٔ کدورت ها خواهد شد وبنده این راهیچ صلاح نمی دانم و تصویب نمیکنم .

آقا شیخ علی شیرازی — عرض میشود بنده در ماده ۱۱ و ۱۰ — اسم خودم را نوشتم و طوری هم نوشتم که کسی بالاتر از اسم من نتواند بنویسد وبرعکس تابحال اسم بنده خوانده نشده بنده مخالفم با این وضع در ماده ۱۰ نشده که عرایض خودم را عرض کنم ولی دراینجا عرض می کنم - این اهمست وغیراهمست بعقیده من خوبست بواسطه اینکه بسا هست که گفته میشود ما غیر اهم نداریم وتمام وزارتخانه های ما اهم است ازدیگری این باید معلوم شود و الا اگر بکلی معلوم نشود اسباب محظور میشود .

رئیس — اینکه اسم سرکار خوانده نشده برای این بود که مسبوق نبودیم که امروز قانون استخدام خوانده خواهد شد بلکه بنا بود لایحه اعتراضیه خوانده بشود وحالا که شروع بقانون استخدام شد فرستادیم اسامی را بیاورند وبعدازاین ازهمان قرار رعایت خواهد شد .

حاج سید ابراهیم — اینجا نوشته شده است مقرری وزراء و معاونین ایشان باید مراد از معاونین معاون پارلمانی باشد نه مطلق معاونین - دیگر اینکه نوشته اند مقرری وزراء ومعاونین ایشان ثابت بوده کدام مقرری اگر مراد آنقدر اقل واکثر است که البته ثابت خواهد بود واگر مقصود اینست که تفاوت از برایشان قرار نمیدهند پس خوبست در ماده بنویسیم که مقرریشان از این اندازه که معین شده است تجاوز نمی کند نه اینکه بنویسیم ثابت است دیگر اینکه نوشته است که تفاوت قدراقل و اکثر هر درجه نسبت بمدت خدمت معین میشود در صورتی که در ماده پیش نسبت بهر درجه معین شد که چقدر حقوق بایستی ببرند از اینجهت تصور می کنم که دیگر ذکر این جمله دراینجا لازم نبود بعقیده من خوب است این عبارت از اینجا برداشته شود .

فهیم الملك — این لایحه که در دستمان هست خوب است قدری درست ملاحظه بفرمائید تا اینکه رفع تمام این اشکالات بشود اینجا که قید شده است معاونین چون درذیل ماده فوق اگر دقت کرده باشند دارد که (معاون اداری) واوم لوم است که معاون پارلمانی است حالا درجه معاون پارلمانی بسته باهمیت وزارتخانه ها است دیگر اینکه ثابت نوشته شده است مقرری وزراء ومعاونین چون وزراء ومعاونینشان مثل سایر مستخدمین نیستند که بایستی چهار سال دریك خدمتی بمانند و با شرایط بعد از چهارسال ارتقاء رتبه پیدا بکنند انتخاب وزراء و معاونین بسته است با کثریت مجلس وممکن است که یك وقتی اکثریت مجلس آنها را ازدرجه وسط انتخاب کنند وعلاوه براین آنها مأمورین پلتیکی هستند ممکن است که تغییر بکنند پس وقتی که اینطور شد لابد باید مقرری آنها ثابت باشد یعنی اینها کسی نیستند که باید چهار سال خدمت بکنند بعد اضافه حقوق بگیرند وترفیع رتبه حاصل بکنند بلکه باید حقوق آنها ثابت باشد و یك تفاوتی هم اگر لازم شد که در حقوق آنها .

منظور بشود وبه مجلس بیاید وقبول شود پس آن قدراقل واکثر یك میزان ثابتی اسب ازبرای وزراء ومعاونین که هروقت یك تفاوتی می دهند ازروی این میزان ثابت خواهند داد .

آقا شیخ ابراهیم - بابنده خیلی بعیدم از مطلب با اینکه این ترتیب بار صحیح نیست قانون استخدام نه عبارتست از شرایط مستخدمین بجهت اینکه شرایط مستخدمین درقانون تشکیلات خواهد آمدونه عبارتست ازبودجه بجهت اینکه قانون بودجه دربودجه است بلکه قانون استخدام عبارت است از اینکه استخدام در مأمورین ملکی یامالیه نظامی یا عدلیه چهارقسمت است اینها مامورین ملکی هستند چند درجه دارند این درجه باآن درجه چه تفاوت دارد پس درهر درجه بسته است بلیاقت هیچ معنی ندارد بسته است بمدت خدمت اگر لیاقت نداردا صلا نباید باشد بعداز آنی که لایق است زیادتی مواجب بحسب مدت خدمت است متلاچهار تومان قرارداده اند برای چهار سال یك سال خدمت کرد یك تومان می دهند سال دیگر خدمت کرد یك تومان دیگر همینطور تاچهارسال تمام بشود سال پنجم که خدمت کرد ترفیع رتبه خواهد دید و بمرتبه بالاتر خواهد رفت پس باید هم چه گفت ترفیع رتبه تفاوت اقل بر اکثر زیادتی حقوق موقوف بمدت خدمت است سال اول که داخل شد حقوق درجه اول آن مقام را بگیرد یك سال دیگر خدمت کرد درجه دویم را بگیرد سال دیگر خدمت کرد درجه سیم رابگیرد چهارسال خدمت کرد درجه چهارم را بگیرد وترفیع رتبه حاصل می کند بالا تر برود یااینکه مواجب بالاتر بگیرد یعنی اگرجا خالیست که میرود بمرتبه بالاتر وحقوق آن مرتبه راهم میگیرد جاخالی نیست افتخاراً اسمش را می نویسند ومواجب بالاتر را باو میدهند لیاقت یعنی چه (لیاقت راکه ببیند وزیر ببیند وهر که یك روز آمد ند یکی لیاقتش بیشتر است بیشتر بدهد یکی کمتراست کمتر بدهد ؟ یااینکه هر که یك سال خدمت کردند یکی لیاقت دارد اضافه حقوق باو بدهند و یکی لیاقت ندارد ندهند ؟ اینکه ترتیب نمی شود عرض کردم باید این مواد رااصلاح کرد که همه مراتب بایکدیگر متناسبت باشند وآن اقل واکثرهم بایکدیگر نسبت داشته باشند .

فهیم الملك - اینکه فرمودند غیراز اینکه آنجا نوشته شده است نیست زیراکه ترفیع رتبه نسبت بمدت خدمت منظورشده است واضافه حقوق هم نسبت بمدت خدمت منظور شده است مثلا نوشته شده است دو سال بدوسال یك تفاوت حقوق باوداده شود ودوسال ۵ رتبه ترفیع رتبه حاصل بکند ولی مستخدمی که بطور صحیح خدمت میکند و خوب از عهده انجام کار برمی آید با یکنفر دیگری که مثل او خدمت نمی کند وکفایت ولیاقت اورانداردا نمی توان گفت که هردوبواسطه زیادتی مدت خدمت باید ترفیع رتبه حاصل بکنند یا اینکه بیك درجه حقوق بگیرند لابد باید یك تفاوتی دربین باشد چون گفتم که مستخدمین که بعد ازچهارسال نتوانند ترفیع رتبه حاصل بکنند آنها ممکن نیست بعد اکثر مقرری مقامیکه درآن هستند رسند بلکه باین حد اقل واکثریت یك حقوق بآنها داده میشود و در صورتیکه یکنفر مستخدم لیاقت خودش را بخرج بدهد ممکن است بعد ازچهارسال بدرجه بالاتر برود پس چه دراضافه حقوق وچه درترفیع رتبه هر دو نسبت بمدت خدمت منظور شده است .

رئیس - حالا گویا مذاکرات کافی باشد [گفتند کافی است] .

ماده ۱۲ خوانده میشود بعبارت ذیل قرائت شد

ماده ۱۲ - میزان مقرری انتظار خدمت ومستمری تقاعدی پس ازوضع قانون ازروی مقرریهای مذکور درماده دهم معین میشود .

آقا میرزا ابراهیم خان - ایام انتظار خدمت را میخواستم بفرمائید یعنی چه وچه مقرری ازبرای ایام انتظار خدمت خواهید داد .

فهیم الملك - اگرچه شرح این مطلب کاملا درقانون تقاعدی که بعد خواهد آمد ذکر میشود ولی مختصراً عرض میکنم عده مستخدمین دولت معین است که در هروزارتخانه چقدر خواهند داشت نظر بخدمات معینه درضمن اگرچه مستخدمین هر یکی دوسال یاسه سال ازکار خارج نمیشوند موقتا منفصل ومعاف میشوند مثل اینکه یك مستخدمی را بخواهند یك کار را باو رجوع بکنند یا اینکه دریك وزارتخانه یك اداره هست وبواسطه ترتیب جدیدی که درآن وزارتخانه میدهند آن اداره موقوف میشود حالا آنهائی که در آن اداره داخل کار بوده اند جزء مستخدمین دولت هستند منتهی افکار از بین رفته است وآنها منتظر رجوع خدمت دیگران هستند حالا بطوری که در قانون تقاعد بعد ذکر خواهد شد آنها را معین میکنند که هراداره نظر بعده مستخدمین چند نفر منتظر خدمت میتواند داشته باشد صدی ۵ صدی ۴ از کلیه مستخدمین میتواند منتظر داشته باشد .

مقصود آنها نیست و این قبیل مستخدمین معلوم است وقتیکه ازکار معاف می شوند یك مقرری ایام انتظار خدمت می گیرند و اینکه اینجا نوشته شده است برای این است که فرض بفرمائید یك نفر از مستخدمین ماهی هشتاد تومان مقرری دارد وممکن است برای ماموریتی که باو می دهند یك اضافه حقوق هم باو داده شود که مثلا ماهی صد تومان باشد بعد از آنی که آنکار موقوف شد وقتیکه برای خدمت احضار بشود نه این است که یك حقوق ایام انتظار بایستی باو داده شود آن حقوق از روی این هشتاد تومان معین می شود نه ازروی آن صد تومان این بود که اینجا ذکر شده که این مقرری ها مقرری کار است و حقوق ایام انتظار که بموجب قانون دیگری معین میشود ازروی این مقرریها خواهد بود .

آقا میرزا ابراهیم خان - آنچه از این کلمه انتظار خدمت مستفاد می شود این است که اشخاصی که از برای رجوع خدمتی بآنها منتظر می شوند ولی آن ترتیبی که مخبر محترم فرمودند که مراد آنهائی هستند که داخل درکار بوده اند حالا مرخصی خواسته اند یا تعطیل دارند؟ و برای آن ایام مقرری بآنها داده می شود اگرچنین است پس آنها رامنتظر خدمت نمی توان گفت برای اینکه منتظر خدمت آنهائی هستند که داخل درکار نشده اند و انتظار این را دارند که آنها را داخل کار بکنند نه آن اشخاصیکه دارای رتبه معین بوده اند و ازکار منتظر یا مرخصی شده اند البته برای آنها یك میزانی معین خواهد شد که مقرری بگیرند ولی منتظر خدمت گمان نمیکنم که بتوان بآنها گفت .

فهیم الملك - چون قانون تقاعدی پشت سر این قانون بمجلس خواهد آمد و شرح ایام انتظار خدمت کاملا در آنجا نوشته شده است وبرقراری که برای انتظار خدمت دارند در آن جا هم مقرر خواهد شد .

آقا شیخ ابراهیم — بنده می خواستم این را عرض بکنم مستخدمینیکه در ادارات هستند بعضی داخل خدمت اند با آن ترتیباتی که گفتند

بعضی بحقیقت داخل خدمت نیستند ولی مواجب میبرند بعضی‌ها هم در طرف پائین وبعضیها در طرف بالا آنها که در طرف پائین هستند اشخاصی هستند که هنوز آنها را سر خدمت نیاورده‌اند این قسم را منتظرین خدمت می‌گویند آن ها که در طرف بالا هستند اشخاصی هستند که سن آن ها بالا رفته است دیگر کاری از آنها ساخته نیست این قسم را متقاعدین می گویند وبآنها مواجب تقاعدی داده میشود این ماده این دو صنف را که داخل در خدمت نیستند می گوید که بآن ها حقوق داده می شود ولی از روی حقوق کسانی که داخل در کار هستند .

رئیس — دیگر مخالفی نیست یك فقره اصلاحی از طرف آقای معزز الملك پیشنهاد شده است خوانده میشود (بعبارت ذیل خوانده شد)

ماده (۱۲) میزان مقرری انتظار خدمت برای هریك از درجات معینه دراین قانون که ثبت میشود هریك از آن درجات است

معزز الملك — چنانکه آقای مخبر هم توضیح دادند این لایحه قانونی یك قانونی است راجع بارتفاع رتبه ها وممکن است در یك وزارت خانه که دارای یکی ازاین مرتبه هاباشد یك وقتی آن شغلی که مستلزم آن مرتبه است در آن وزارت خانه نباشد تا اینکه او دارای آن شغل بشود باین جهت ممکن است که اورا یك مدتی در آن وزارت خانه معطل نمایند وازطرف دیگر اگر ما اینجا معین بکنیم آنحقوقی را که در این موارد بآن مستخدم خودمان میدهیم اولا تکلیف خواهد ماند یعنی معلوم نمیشود که کمتر از حداقل مقرری آن رتبه باو داده میشود یا اینکه تمام آنحد باو داده میشود باینجهت لازم است که درخود این قانون آنچه راجع بانتظار خدمت است یك میزانی برای مقرری آن معین کرد ولی آنچه را که باید دراینجا معین بشود بعقیده بنده دوثلث از حقوق او برای مدت انتظار خدمت کافی است وپیشنهاد کردم وگمان می کنم که لازم باشد درآن رأی بگیرید بجهت اینکه مخبر تقاضای ارجاع آنرا بکمیسیون نموده‌اند

فهیم الملك — ولی این قسمت را بنده تصور می کنم که اگر آقای معزز الملك خودشان پس بگیرند بهتر باشد بجهت اینکه قانون تقاعدی حاضر است وبعداز شور اول این قانون بمجلس تقدیم خواهد شد ودرآنجا هم تعیین مدت خدمت وهم تعیین میزان حقوق آنها رهم چیزهای دیگر شده است و هم قبل ازاینکه شوردویم این قانون بعمل بیاید آنقانون بمجلس خواهد آمد و در اینصورت دیگر محتاج باین نخواهیم بود علاوه براین باید عدهٔ منتظرین خدمت مستخدمین وزارت داخله معین باشد و محل حقوق آنها هم معین باشد و اندازه انتظار هم معین باشد آن وقت یك قراری در این خصوص داده شود .

رئیس — رای می گیریم به پیشنهاد آقای معزز الملك

معزز الملك — بنده پیشنهاد خودم را پس می گیرم .

رئیس — پیشنهادی کرده اند آقای آقا میرزا ابراهیم خان خوانده میشود [ازقرار ذیل قرائت شد] این بنده پیشنهاد میکنم که بجای ایام انتظار خدمت ایام مرخصی وتعطیل از کار نوشته شود و نیز مقرری آنرا نصف مقرری ایام خدمت محسوب دارند .

فهیم الملك — ایام مرخصی مقصود اینست چون مستخدمین درسال یکماه دوماه یابیشتر یا کمتر ممکن است مرخصی بگیرند ولی آن یك ترتیب علیحده دارد مرخصی ایام انتظار خدمت را شامل نمیشود انتظار خدمت این است که یك مستخدمی را از نقطه که مأموریت دارد خواسته‌اند و درراه است حالا این جزء مستخدمین اداره هست ولی کاری ندارد و باید حقوق ایام انتظار باو داده شود و الا مرخصی یك چیز دیگری است .

رئیس — آقای آقا میرزا ابراهیم خان چون پیشنهاد کرده اند حق دارند که توضیح بدهند

آقا میرزا ابراهیم خان - مقصود ما از وضع قانون استخدام چون ترتیب ادارات است که دیگر این ترتیبی را که میفرمایند درآنها نباشد آدم بی کار لازم نباشد که یك آدمی را معطل بکنند از برای اینکه یك وقتی خدمتی باو رجوع خواهند کرد اشخاصی که دردوائر دولتی مستخدم هستند بآنها در صورتی مواجب داده میشود که مشغول خدمت وسرمیز کار باشند مگر اینکه برای یك کار شخصی خیلی لازمی یك ماه چهل روز مرخصی بخواهند مأمورین وزارت خارجه که مأموریت پیدا می کنند پس از سه سال پنجسال اگر ششماه مرخصی بخواهند ما آن ایامرا ایام مرخصی میگیریم ایام انتظار نمیدانیم اگر چه معین است که تمام مواجب اینمدت بآنها داده نخواهد شد بلکه نصف داده میشود واینکه میگویند ایام انتظار این اصلاح بیشتر بود یعنی درفلان وزارت خانه من یك عریضه میدهم بوزیر مینویسم که مرا بخدمتی منصوب بدارد میگوید خیلی خوب حالا دراینجا مشغول باشد تاوقتی که خدمتی باو رجوع بشود این شخص واین حالت را حالت منتظر و ایام انتظار میگویند دیگر نمی‌توان این شخص را داخل خدمت دانست وحالا که ما میخواهیم این ترتیب منسوخ بشود و اشخاص در دوائر بیکار و معطل نباشند و بسودجه ماهدر نشود از مقرری های بدون استحقاق بنده این کلمه انتظار را بکلی رد میکنم و عرض میکنم که باید نوشته شود ایام مرخصی و تعطیل ودراین مدت هم فقط نصف مواجب مطابق معمولی تمام دنیا تاوقتیکه اجازه دارند بآنها داده شود واگر ششماهی که اجازه گرفته‌اند یك ماه طول کشیده و هفت ماه شد مواجب آن یك ماه را باو نخواهند داد .

فهیم الملك — اینکه بنده عرض کردم که بعضی دقایق این مطلب بماند تاوقتی که آنقانون بمجلس بیاید برای این است که وقتی آنقانون بیاید رفع خیلی ازاین اشکالات خواهد شد ومعلوم میشود که مرخصی غیراز انتظار خدمت است یك وزیر مختاری فرضاً ما داریم در پاریس ششماهه مرخصی میگیرد که بیاید طهران او داخل انتظار نیست وباید تمام حقوق خودش را بگیرد ولی اگر بگویند که این وزیر مختاری که می آید بطهران انتظار بخدمت است معنیش اینست که می آید اینجا وهیچ کاری ندارد تاوقتیکه مأموریت دیگری باو بدهند پس برای مرخصی یك شرایط دیگری هست که در داخله یك مدت معین میکنند ودر خارجه یك مدتی واگر از آن میزانی که اجازه گرفته است تجاوز کرد هیچ چیزی باو نخواهند داد اینکه می‌فرمایند که این ترتیب سابق است بنده که عرض کردم باید معین بشود که در هروزارتخانه چه اندازه منتظر خدمت باید باشد و مستخدمین منتظر خدمت چندسال باید داخل انتظار بماند والافرضاً یك کاری تعطیل میشود شخصی که متصدی آن بوده است که بی کار نمی‌ماند باید یك مأموریت وکار دیگری باو رجوع بشودو دراین بین که فاصله میشود حقوق خواهد گرفت و همچنین راجع بمأمورین خارج از مملکت یاخارج از مملکت هر کدام یك ترتیبی دارند که معین خواهد شد و همین طور مستخدمین حالت انتظار هم یك ترتیبی دارند که یك نفر مستخدم را در پیش از یك سال نمیتوان منتظر خدمت گذاشت اینها چیزهائی است که بعدباید بیاید ومعین بشود و دراینجا فقط ماخواستیم معین کنیم که اگر بتاشد چیزی بآنها بدهند اززوی نسبت مقرری ایام خدمت باو یك چیزی بدهند والا سایرنکات و ترتیبات آنها علیحده است ودرآنقانونی که بمجلس می آید نوشته خواهد شد و در آنوقت اگر شما لفظ انتظار را صحیح نمیدانید ممکنست بیك لفظ دیگری که اسباب اشتباه نشود بنویسید مثلا بگوئید مستخدمینی که درحالت انتظار هستند یعنی یك خدمتی داشته‌اند وحالا ازاو گرفته‌اند یدیگری داده‌اند وخودش منتظر خدمت است .

رئیس - رأی می گیریم باصلاح آقای آقا میرزا ابراهیم خان یکمرتبه دیگر خوانده می شود [قرائت شد] آقایانی که این اصلاح را قابل توجه میدانند قیام نمایند [رد شد] .

پیشنهادی هم آقای معاضد الملك کرده اند خوانده می‌شود (بعبارت ذیل خوانده شد) .

بنده پیشنهاد می کنم ایام مرخصی و انتظار خدمت نوشته شود .

معاضد الملك - همینطوری که آقای مخبر فرمودند ازبرای منتظرین اینجا یك تکلیفی معین کرده‌اند ولی ازبرای مرخصی هیچ اشاره نکرده‌اند که تکلیف آنها چیست وضروری هم ندارد که اشخاصی که مرخص می‌شوند ودرواقع کارشان تعطیل میشود معین بشود .

فهیم الملك - این را کمیسیون قبول دارد عیناً رجوع کنید بکمیسیون .

رئیس - رجوع می‌شود بکمیسیون . دیگر مخالفی نیست ماده سیزدهم خوانده میشود (بعبارت ذیل قرائت شد) .

ماده (۱۳) - اشخاصی که در موقع وضع این قانون در ادارات دولتی مستخدم میباشند پس از آنکه مقام هریك موافق شرایط مذکوره در ماده (۸) معین گردید قدر اقل مقرری آنمقام رادریافت میدارد وهمچنین اشخاصی هم که درآتیه داخل خدمت وزارتخانه‌ها میشوند مقرری ایشان ازقدراقل شروع خواهد شد .

حاج سید ابراهیم — بنده صلاح نمی‌دانم که درقانون ذکری ازاشخاص بشود کلیة باید نوشت که ازموقع وضع این قانون بتمام مستخدمین دولتی قدراقل داده می شود بجهت اینکه میدانید ترتیب وزارتخانه‌های ماچیست دیگر آنکه اشخاصی هستند که وجودشان لازم نیست پس عبارت هم باید اینطور نوشته شود که پس ازآنکه لزوم ومقام هریك موافق شرایط مذکوره درماده (۸) معین گردید تا آخر والا همان اشخاصی که خودشانرا داخل ادارات کرده اند بهمان حالت باقی خواهند بود .

فهیم الملك - اولا اینکه فرمودید نباید ذکری ازاشخاص درقانون بشود خود کلمه مستخدمین را که میفرمائید معنیش اشخاص است وثانیاشرایط مذکوره درماده هشت را که ملاحظه بفرمائید رفع اشکالتان خواهد شد .

حاج شیخ اسدالله - این حد اقل واکثری که معین شده بود یك نظر بواسطه کثرت مدت خدمت بود ویك نظر بواسطه اهمیت کار و خدمت واینکه دراینجا نوشته است که اشخاص در خدمت وزارتخانه ها داخل میشوند حقوق آنها ازحد اقل داده خواهد شد منافی باآن نظری است که درحد اقل واکثر منظورشد مثلا یك معاونی برای وزارت داخله معین شده است حالا قدراقلش را باید باو داد یااینکه بواسطه اهمیت مقامش حقوق برای او معین میشود این راخوب است توضیح بفرمائید .

فهیم الملك - جزء اول ودویم ماده (۱۱) را که بخوانند جواب میدهد .

حاج سید ابراهیم - بنده عرض میکنم اینکه آقای مخبر فرمودند که ماده (۸) نوشته است صحیح است ولی ماده هشت لزوم مقام را که نمیرساند پس خوب است که کلمهٔ لزوم را همانطوری که عرض کردم دراینجا بنویسید که این اشکال رفع بشود .

رئیس - دیگر مخالفی نیست ؟ ماده چهاردهم خوانده میشود (بعبارت ذیل خوانده شد) .

ماده (۱۴) اضافه مقرری وتعیین مبلغی که باید اضافه شود پس ازبروز لیاقت و کفایت بسته بنظر وزیر است لکن درهر دوسال یکمرتبه بیشتر اضافه مقرری داده نشده ودرهر مرتبه بیش ازثلث تفاضل قدراکثر بر اقل نخواهد بود و بالاخره از قدر اکثری که در ماده دهم تعیین گردیده تجاوز ننماید .

لسان الحکماء - این بالاخره یك لفظ مبهمی است که هیچوقت اینطور نخواهد شد و این یك فرض محالی است که اینجا نوشته اند بجهت اینکه نوشته اند درهردوسال بیش ازثلث تفاضل قدراکثر بر اقل داده نخواهد شد مثلا هرگاه قدر اقل یك مقرری صد وبیست تومان شد و قدر اکثر صد و پنجاه تومان تفاضل قدر اکثر بر اقل سی تومان میشود وازاین قرار در دو سال اول ثلث آن که ده تومان میشود باو داده میشود ودرسال چهارم ده تومان دیگر پس ازاول این حساب هیچوقت مقرری او بمذاکره نخواهد رسید ودر سال پنجم هم که ارتقاء رتبه حاصل خواهد کرد .

فهیم الملك - همیشه ارتقاء رتبه مستلزم اضافه حقوق است وحقوق هم معین است برای کار فرض بفرمائید که یك مستخدمی درکار خودش باقی است درجه افتخاری هم میگیرد مثل اینکه رئیس شعبه است حالا افتخاراً رتبه رئیس اداره راباو دادند حالا میفرمائید که دراین صورت ممکن نیست بیش ازثلث تفاضل قدراکثر براقل باو اضافه حقوق بدهند اینطور نیست بعلت اینکه در مرتبه اول که ثلث گرفته است دارای این رتبه افتخاری نبوده است وحالا دارا است ومیشود که قدر اقل مقرری رتبه افتخاری را باو داد پس این قید بشود بعقیده بنده بهتر است .

رئیس - دیگر مخالفی نیست - ماده پانزدهم خوانده میشود (ازقرار ذیل خوانده شد) .

ماده (۱۵) مستخدمینی که ارتقاء رتبه حاصل میکنند باید ملاحظه شود که نقصان مقرری حاصل ننمایند .

حاج سید ابراهیم — این را خوب است مخبر توضیح بدهد که مراد از این عبارت چیست .

فهیم الملك — رئیس شعبه قدراقل مقرری اش صد تومان است وقدر اکثرش صدوسی تومان رئیس اداره قدر اقلش صدو بیست تومان قدر اکثرش صدو پنجاه تومان رئیس شعبه بعداز چهارسال صدو بیست تومان را میگیرد وترفیع رتبه هم باو میدهند ولی جا خالی نیست افتخاراً آن رتبه را دارد تاوقتیکه جا خالی بشود جا که خالی شد میشود رئیس اداره حالا نباید گفت که چون تازه بریاست اداره معین شده است باید همان قدر اقل را بگیرد .

بهجت — بنده هم همین نظر آقای حاجی سید ابراهیم را میخواستم عرض کنم یعنی مقصود این است که رئیس شعبه حداقلش صد تومان حد اکثر صدوسی تومان وقتیکه ارتقاء رتبه پیدا کرد دیگر نمیشود گفت صدو بیست تومان باو بدهند این معلوم است ولی وقتیکه گفتیم نمیشود باید دانست که چه میشود باید حد اکثر را باو داد تا وقتیکه جا خالی بشود یا طوری دیگر باید کرد این عبارت مجمل است باید نوشت چه میشود .

رئیس — اگر پیشنهادی دارید بنویسید رای میگیریم والاشفاهاً نمیشود پیشنهاد کرد .

ماده (۱۶) خوانده میشود (ازقرار ذیل قرائت شد) .

ماده (۱۶) مستخدمین وزارت خانه که با ترتیبات اداری مخالفت نموده ویاوظایف خود عمل نکنند ویا سوء رفتار وبااعمالی از ایشان مشاهده شود که منافی مقام ایشان است تنبیهات ذیل در باره آنان مجری تواند شد .

(۱) اخطار (۲) شماتت (۳) کسر مقرری (۴) انفصال موقتی (۵) تنزل مقام (۶) عزل دائمی مواردی که مستخدمین مستوجب هریك از این درجات تنبیه تواندشد درنظامنامه داخلی وزارتخانها معین خواهد گردید وعندالزوم درهیئتی مرکب ازمدیران وزارتخانه مربوط رسیدگی بعمل آمدو پس از تعیین مجازات بموجب حکم کتبی وزیر بموقع اجراء گذاشته میشود مگر در موقع عزل که موافق ماده نهم عمل خواهد شد تنبیه و سیاست مستخدمین ازهر درجه باشد در ورقه خدمت ایشان ثبت میشود .

حاج سید ابراهیم — بنده لفظ شماتت را در اینجا خیلی بی مناسبت میدانم باید نوشت توبیخ یا اخطار یادرج دروروقه خدمت والا لفظ شماتت را مناسب نیست که ما داخل دریکی از تنبیهات قرار بدهیم .

حاج شیخ اسدالله - وبااعمالی مشاهده شود که منافی مقام ایشان است بنده میخواستم سئوال کنم که آن اعمال چه اعمالی است وباید بنظر که باشد تااین که ببینند آن اعمالی که ازایشان صادر میشود منافی بامقام ایشان است یا منافی نیست وبعد ازآن اخطار یاشماتت هم مجمل است و باید توضیح بشود که مراد ازاین دوعبارت چیست .

فهیم الملك — جمله آخر ماده را ملاحظه نفرمودند که نوشته شده است مواردی را که مستخدمین مستوجب مجازات تواند شد در نظامنامه داخلی وزارتخانه ها معین خواهد گردید تقصیراتی راکه ممکن است اعضاء ادارات بکنند مثل این است که در کوچه هرزگی بکنند یا اینکه مست بکنند یایك کاربدی را مرتکب بشود و از این قبیل اینها که دیگر قانون نخواهدشد تااین شرح داده شود اینهارا باید وزارتخانه‌ها در نظامنامه داخلی خودشان بنویسند ومعین کنند که درچه وقت اخطار وچه وقت شماتت وچه وقت عزل دائمی خواهد بود وبتصویب شورای دولتی خواهد رسید .

حاج شیخ الرئیس — بنده کاملا موافقم ولی دراین کلمه که نوشته شده است مجری تواندشد استدعا میکنم که آقای مخبر هم قبول بفرمایند که محتاج بپیشنهاد کتبی نباشد نوشته شود تنبیهات ذیل درباره آنها حتمی الاجرا است مجری تواندشد معنی ندارد .

رئیس - دیگر مخالفی نیست ؟ ماده [۱۷] قرائت میشود (ازقرار ذیل قرائت شد) .

ماده (۱۷) - اگر مستخدمی مستوجب مجازاتی شده باشد که مستلزم کسر حقوق است ودر عرض آنمدت موقع اضافه مقرری برسد آن اضافه ازآن مستخدم مضایقه میشود باید دلیل مضایقه را باو گفته و پس از انقضاء مدت مجازات آن اضافه درحق او برقرار شود محروم مستخدمی از اضافه حقوق ثانیا برقرار کردن آن باید بحکم کتبی وزیر باشد .

حاج سید ابراهیم - اینجامی نویسد که اگر مستخدمی مستوجب مجازاتی شده باشد که مستلزم کسر حقوق است و در عرض آن مدت موقع اضافه مقرری برسد آن اضافه ازآن مستخدم مضایقه می شود این عبارت ظاهرش میرساند که اگر موقع مجازات مصادف شد باموقع اضافه همان اضافه مقرری که بایستی باو داده شود مضایقه میشود حالا اگر این مضایقه علاوه بر کسر حقوق او است که هم کسر حقوق میشود وهم اضافه مضایقه میشود باید توضیح شود والا این عبارت آنرا نمیرساند .

فهیم الملك - چون کسر مقرری که بعنوان مجازات باشد یك ترتیب مخصوصی دارد مثلا می نویسد اگر مستخدمی ورقه از اوراق اداره را دزدید باید فلان اندازه از ازمقرری او کسر بشود مثلا می بینند که مقرری یك ماهه اوچقدر است آنوقت نصف یاثلث یاربع آنرا در چند ماه کسر میکنند این ترتیباتی است که

درنظامنامه‌داخلی بایستی‌معین‌بشودحالا‌فرض‌بفرمائید مستخدمی که‌مستوجب‌یك‌چنین مجازاتی شداول‌حمل درتحت مجازات‌آمددر عرض آنمدتی که اومحکوم باین‌مجازات‌شده‌است‌یك‌اضافه‌مقرری‌بسایر‌مستخدمین داده میشود آن‌اضافه‌ازاو مضایقه‌میشود فرضاً‌پنجاه تومان داشته‌است‌وحالا میبایستی‌شصت تومان‌بگیرد همان پنجاه تومان راباو میدهند وماخذ کسرحقوق هم‌همان حقوق سابق او خواهد بود ولی همینکه مدت محکومیت اوکه فرضاً شماه است‌تمام شدآن شصت تومان راکه ازاول حمل می بایستی باو داده شود خواهد گرفت .

رئیس- دیگر مخالفی دراین خصوص هست گفتند خیر شوراول‌این‌قانون‌تمام‌شدمیرودبکمیسیون آقای‌رئیس‌الوزراءنوشته‌اند که‌چون امروز کارمهمی داشتند نتوانسته‌اند تشریف بیاورند برای مذاکره دراستقراض بنماید این‌مذاکره درخصوص استقراض میماند برای روزشنبه حالاده دقیقه‌تنفس میشودبعد از آن در قرار داد مسیو مولیتر مذاکره خواهد شد .

بعد از تنفس مجدداً‌سه‌ربع ساعت قبل‌ازغروب تشکیل شد .

رئیس — راپورت کمیسیون فواید عامه و کمیسون بودجه راجع بکنترات مسیومولیتر قرائت میشودماده اول که راجع‌بمدت بوده سه‌ساله‌درمجلس تصویب وگذشته است‌و ماده دویم که‌راجع بحقوق اواست‌چندروزقبل بمجلس آمدورجوع شدبکمیسیون بودجه ودر ثانی راپورتی از کمیسیون بودجه داده شده است که قرائت میشودپیشنهاد کمیسیون‌بودجه بمضمون ذیل قرائت شد .

بتاریخ نوزدهم‌ربیع‌الثانی پیشنهاد وزارت‌پست وتلگراف در خصوص حقوق مسیو مولیتر بانضمام راپورت کمیسیون فوائد عامه درکمیسیون بودجه مطرح مواد ۲و۳و۴ راپورت سابق راوزارت‌پست وتلگراف مسترد نموده ودرعوض که ماده ذیل را پیشنهاد نموده بودند .

ماده-۲- حقوق مسیومولیتر بیست ویکهزارو پانصد فرانك .

مشیرحضور- بنده گمان میکنم که‌با این وضع بودجه مملکتمان وفقر عمومی بیست یکهزار وپانصد فرانك بیك نفر مدیریت دادن خیلی زیاد است‌تصور میکنم که‌یکنفر ازسویس یابلژیك از خارج بشودجلب‌بکنند بدوازده هزار فرانك واگر چنانچه مسیو مولیتربا پانزده هزار فرانك استخدام راقبول‌میکندمن‌تصویب‌میکنم‌والاتصویب‌نخواهم کرد یکی‌هم در باب کمك خرجی که کمیسیون تقریباً او را تصویب کرده است یعنی می‌نویسد کمك خرجی در جزء بودجه وزارتخانه پیشنهاد نموده و باید از تصویب مجلس بگذرد آنجا لفظ باید یك طوری میکنند که ما را مجبور میکنند و این را صحیح نمی دانم.

شیبانی— در باب مسیو مولیتر گفته شد در مجلس که اگرچنانچه مجال‌داشتیم‌که ازخارج تحصیل یك‌مستخدمی بکنیم که بعضی معلومات در او باشد این کاررا میکرد مجلس اما این کنترات در موقعی بمجلس آمد که وقت تنك بود و بعضی مواد آن را مجلس قبول کرد ورای داد تصور نمیکنم از برای این جزئی تفاوت نباید رأی داد در صورتی که‌ما اضافه حقوق مستخدمین بلژیکی که از برای گمرك پیشنهاد مجلس شد تمام‌را قبول کردیم چطوراینرا رد کنیم ودرصورتیکه ازعهده خدماتیکه باو راجع شده‌است بخوبی ازعهده برآمده‌است و بخوبی‌اداره پست را اداره کرده است گمان نمیکنم باید تفاوت گذاشت بین‌او و بین‌مستخدمین گمرك.

ادیب‌التجار - صحبت درسابقه‌خدمات مسیو مولیترنیست وکسی‌هم شکایتی از او اظهار نمیکند فقط همان است که آقای‌مشیرحضور بیان کردندچون بودجه مملکت اقتضا ندارد که خیلی‌زیادرویها بشود و قدردانی ملحوظ شده‌است بجهت‌اینکه‌هیجده‌هزار فرانك حقوق باو داده شده است پیش ازآنرا بنده با این وضع‌حالیه‌مالیه زیادمیدانم ومخالف هستم با این‌راپورت.

محمدهاشم‌میرزا — بنده میخواستم رفع اشتباه‌ازآقای‌مشیرحضوربکنم.

حاج‌عزالممالك — اینجا اولاآقای مشیر حضور اشتباه کرده اند لفظ باید لفظ اجبار نیست و دراین‌موقع‌هم که بودجه بمجلس آمده‌مختارخواهد بود که رای خودش را در رد و یا قبول‌آن اظهار بکند وکمك خرج‌هم یك‌چیز واضحی نیست حالا وزارت پست لازم می‌داند که مخارج فوق‌العاده برای او لازم است کمتر از این هزاروپانصدتومان پیشنهاد کند و اینکه نوشته‌است هزاروپانصدفرانك از خرج فوق‌العاده اضافه مواجب او شود کمیسیون این‌را عقیده داشت که ذکرشود در اینجا که اگر درضمن بودجه پست کمك خرجی برای مسیو مولیتر پیشنهاد شد خاطر آقایان مسبوق باشد که این یك هزار و پانصدفرانك کسر شود اما بیست ویك‌هزار و پانصدفرانك که اینجا نوشته شده‌است نظر وزیر باین بوده‌است که سایر مستخدمینی که براك گمرك استخدام شده اند و تقریباً همین نخست وزیری را داشته اند آنها هم همین مبلغ مواجب داشته اند و چنانچه مجلس‌هم درماده اول تصویب کرده است تجدید این کنترات را و درحقیقت‌خواسته‌است این مستخدم‌رایس‌باید طوری این‌حقوق‌را داد که اوهم ازعهده‌خدمت بتواند برآید.

رئیس— آقای‌محمدهاشم‌میرزا اگر مخالف هستید بفرمائید.

محمد هاشم میرزا — خیر دیگرعرضی ندارم .

دکترعلیخان- بنده مخالفم با این‌مبلغی که معین‌شده‌است برای مواجب‌مسیومولیتر وکلیه‌مخالفم با این مواجب‌هائیکه داده می‌شود باروپائی ها و و این‌را برای این عرض میکنم که چون گفته شد چون اضافه مواجب باجزاء گمرك داده شده‌است به مسیو مولیتر هم بایدزیادداد بنده‌آنوقت‌عرض کردم حالاهم عرض میکنم‌اما باید درایران که مستخدم زیاد لازم داریم باید یك‌میزانی‌را بدست‌داشته‌باشیم و یك‌روزی باید شروع باساس کرد همیشه اگر ما بخواهیم قیاس بکنیم‌با آن مواجب هائی که بمستخدمین خارجه داده می‌شده‌است این نمی شود برای‌اینکه در هرمملکتی‌یك‌مواجبی‌برای‌مستخدمین و معلمین معین است در این مملکت هم باید قرار بگذارند هر چه از برای مستخدمین خودشان قرار می گذارند همانرا مضاعف کنید گمان میکنم که هیچوقت لازم نیست که این مواجب زیاد داده شود ومخصوصاً مسیو مولیترهم از قراری که بنده‌می‌دانم گویا متخصص در این کار نیست و اگر بخواهیم متخصص‌از برای این‌کار ازخارجه‌بیاوریم ممکنست خیلی‌ارزانتر بشود.

حاج‌سیدابراهیم - بنده چندان‌مخالفت با دکتر ندارم ولی این‌را میخواستم عرض کنم که ما نباید این اندازه ملتفت نباشیم یك عده مستخدمین را می‌خواهیم تجدید کنیم بعضورا بترتیبی تجدید کنیم آنوقت نسبت ببعضی دیگر وسط کار بدون اینکه وقتی داشته باشیم این اظهارات را بکنیم و می‌خواهم عرض کنم که درحقیقت حقوق‌مسیو مولیتر آنچه در اینجا داده شده‌است خیلی‌کمتر‌ازدیگران داده‌شده و کمیسیون کمتر تصویب کرده‌است بجهت اینکه هزار وپانصدتومان‌فوق‌العاده و بعضی‌اضافات و اختیارات باو داده بودند کمیسیون این هارا تمام استرداد کرده و فقط بیست هزار فرانك پیشنهاد کرده ویکهزاروپانصدفرانك اضافه هم از آنحقوق فوق‌العاده‌او کسرخواهدشد که باومیدهند.

دکتراسمعیل‌خان - بنده گمان‌میکنم اگر کمیسیون بودجه پست وتلگراف این‌مسئله‌را خوب تشریح کرده‌بود همه‌آقایان رای‌میدادند.

رئیس — باچه‌موافقید ؟

دکتراسمعیل‌خان - با این جملهٔ که از کمیسیون پیشنهاد شده که این هم از پانصدفرانك جزء کمك خرج او خواهدشد کمیسیون هم تصویب کرده‌است.

رئیس — صحبت در ماده دویم است بفرمائید .

دکتررضا خان — بلی اینجا از اعضای کمیسیون بودجه دفاع می کنند چون مواجب زیاد بوده است کم کرده ایم و نظر باعتراضی که‌داشته است حالا تصویب میکنیم‌بنده گمان‌میکنم که آنوقت ما بهشت صد تومان قانع نشویم این خیلی بداست درصورتی که‌ممکن است ده روز از خارجه متخصص برای اینکار بخواهیم وبیایدنمیشود این‌را سند بگیریم که ۲۱ هزار وپانصد فرانك‌در یکجا بدهیم ودریکجاهم‌هزارو دویست تومان‌آنهم میشود معاون سه‌چهار هزارفرانك تقریباًمواجب یك وزیری میشود بیك مدیر بدهیم بنده مخالفم با این ترتیب .

معاون‌وزارت‌پست — چون این مسئله کنترات مسیوبولیتر خیلی طول کشیده تقریباً ۷ ماه است بمجلس آمده است و چندین مرتبه به کمیسیونها رفته است‌و خیلی جرح‌و تعدیل‌شده‌است وگمان میکنم خاطر آقایان یکقدری مشوب است ازعبارت این‌راپورت‌و لازم است‌بنده‌قدری‌توضیحات بدهم که خاطر مبارکشان مسبوق باشد اولا اینکه میفرمایند این‌اضافه که داده‌میشود زیاداست وبعلت

اینکه بسایرین دادیم بباید بدهیم اینطور نیست موافق ترتیب‌مستخدمین‌بلژیکی که آورده ایم‌اینجا قرار است که بعداز سه سال خدمتی که میکنند باید اضافه‌مواجبی بآنها داده شود وبهمین جهت‌است که این اضافه داده شده است بی‌ماخذ نه‌بوده است در کنترات اولیه ایشان هم بوده است و باین جهت است که هردرجه داشته اندابن چند نفری که‌آمده اند بهمان درجه ازطرف وزراء پیشنهاد شده است که اضافه داده‌شودمسیو مولیتر ازاشخاصی‌بودند که دراداره گمرك ۲۱هزار وپانصد فرانك درجه اوبوده است‌ودر همانجا تصویب شده‌است بهمین‌علت وحالاهم که دراداره گمرك نیست بهمین جهت است که برای‌اوپیشنهاد شده‌است وازبرای تفاوت‌خرجش که‌اینجا گفتگو میشود اگرچه درماده بعداست اما توضیحات میدهم که در اینجا اسباب اشکالی باقی نماند این تفاوت خرج در تمام مأمورین هست مثلا مأمور گمرك وقتی که رجوع بمخارج آنها بشود بلکه درخود کنترات آنهاهست که مقداریك ثلث‌از حقوقی که بآنها داده میشودبایدبعنوان تفاوت‌خرج بآنها داده‌میشودیس‌دراین‌صورت وقتیکه‌نظرمیکنیم می بینیم تفاوت خرج به آنها داده شود پس در این صورت وقتی که نظر میکنیم می بینیم تفاوت خرج‌که سابقاً داده می‌شده است بی‌مأخذ نه‌بوده است همین ۲۱هزار وپانصد فرانك که باو داده‌میشوداین‌حقوق گذشته اوست که‌مطابق کنترات اولیه اوباشد وامادرباب خود این‌آدم که می‌فرمائید خوب است یك‌نفر آدم امروزه بیاوریم امروز این آدم خودش هم خیلی افسوس دارد که بعد از آنی که هشت‌سال‌آمده است دراین مملکت خدمت کرده است و یك ادارهٔ پستی که بی‌ترتیب بوده مرتب کرده است ما یك بی‌انصافی می‌خواهیم بکنیم و میگوئیم ۲۱هزاروپانصد فرانك که‌بیك همچوآدمی داده میشود هزار و پانصد فرانك او از بابت آن تفاوت خرجی که برای اوممین شده‌است بیائیم کسر بکنیم این‌را خودش خیلی افسوس میخورد و گمان میکند که دولت از خدمات او ناراضی است و حال اینکه دولت از خدمات او کمال رضایت را دارد وامروزیك‌نفر اروپائی راآوردن محققاً آن اطلاعات داخلی که لازم است لدی‌الورود پیدا نخواهد کرد ودر اینکه‌مااداراتمانرا باید از مستخدمین اروپائی مرتب بکنیم حرفی نیست چنانچه بعد خواهیم خواست مستخدمین دیگری وما در اداره‌مان همین یك‌نفربلژیکی‌راداریم که دراداره پست‌است‌والان‌هم هفت ماه است‌که این کنترات پیشنهاد مجلس‌شده است وباین دلایلی که عرض کردم خیلی افسوس‌دارم که مسئله این‌طور بماند ودوماه هم هست که از مدت کنترات او میگذرد وتکلیف اومعلوم‌نیست .

افتخارالواعظین — آقایان بنظرمبارکشان هست روزی که کنترات مستخدمین گمرك آمداینجا وبنده بودم‌که ضدیت داشتم این که وقتی‌که اضافه حقوق‌بکسی میخواهندبدهند باید از روی یك‌قاعده باشدکه مامورین خارجی وداخلی هیچ فرق نداشته باشنددر این‌جا پس از این که‌این کنترات بمجلس آمد بنده شخصاً از وزیر پست‌و تلگراف تحقیق کردم ۱۸ هزار فرانك حقوق ایشان است‌موافق آن قراردادی‌که دولت با تمام مستخدمین اداری داده است دوهزار فرانك‌بایشان علاوه داده میشود هزارو پانصدفرانك هم این‌جا ازمواجب فوق‌العاده که دولت باو قرارداده است‌که سالی هزاروپانصد تومان باو بدهداین‌هزار وپانصد فرانك از او کسر میشود ولکن اگرکسی تحقیق کند خدمات این آدمرا باید اقرار کند که این شخص در اداره‌پست خدمت نمایان کرده است یعنی پستخانه های‌عدیده درجاهائی‌که نبوده تأسیس کرده و در جاهائی‌که بوده است منظم‌کرده است وفقط یك نکته است که بنده بطریق اشاره عرض میکنم و آقایان البته خاطرمبارکشان مسبوق‌است وتصدیق خواهند کرد وآن این‌است که‌اگر امروزه این شخص رابرداریم ودیگری را بیاوریم وبجای این‌بگذاریم تاوقتیکه او ترتیب اداده بدستش بیاید از برای ما در اداره پستخانه بعضی محظورات پیش خواهدآمدکه‌ضرر آنها بیش ازاین اضافه حقوق خواهد بودبملاحظه آن نظرات است که بنده تصویب میکنم این بیست هزارفرانك‌داده شودواین کنترات از مجلس‌بگذرد

میرزا مرتضی‌قلیخان — بنده‌عرض‌میکنم که این ماده اول‌که از مجلس گذشت مدتی قبل از این بود واز وقتیکه این راپورت آمد بمجلس تا حال شش‌ماه متجاوز است وروزیکه آماده‌اول گذشت این ماده راتأخیر انداختیم بجهت این بود که نمایندگان هر کدام در این خصوص تحقیق وتحصیل‌اطلاعی بکنند که‌در مجلس بدون مذاکره رای نگیریم وحالابنده تقاضا میکنم‌که رای گرفته شود بجهت این‌که هریك ازنمایندگان بقدری‌که لازم است تحقیقات دراین خصوص کرده‌اند یاقبول میکنند یارد میکنند درهر صورت خوب است‌رأی گرفته شود .

رئیس — رأی خواهیم گرفت چون عده کافی نبود از این جهت مذاکره‌طولانی شد وحالا رأی‌باورقه‌می گیریم آقایانی که‌باماده‌دویم کمیسیون موافق‌هستند ورقه سفید خواهند انداخت‌وآنهائیکه مخالفند ورقه آبی خواهند انداخت در این موقع شروع باخذ آراء گردید و حاج میرزا رصاخان احصاء نمود .

رئیس — باکثریت ۳۸ رای ماده دویم تصویب شد .

(اسامی اشخاصی که‌تصویب کرده‌اند) آقامحمد بروجردی - آقا شیخ رضا دهخوارقانی - آقامیرزا محمد نجات - معتمدالتجار - صدرالعلما - آقا شیخ ابراهیم زنجانی - حاج مصدالممالك - شیبانی — حاج سیدنصرالله - آقاشیخ علی شیرازی - آقاسید حسن‌مدرس - ذکاءالملك.انتظام‌الحکماء .حاج‌شیخ الرئیس-متین‌السلطنه-آقامیرزاابراهیم‌قمی-وحیدالملك تربیت - لسان‌الحکماء - آقاسید حسین اردبیلی - آقاسیدحسین کزازی • منتصرالسلطان • میرزامرتضی قلیخان • ضیاء الممالك • آقا شیخ غلامحسین • قهیم‌الملك• حاج‌سید ابراهیم • آقاسیدمحمدرضا حاج شیخ‌اسدالله• آقامیرزاابراهیم‌خان• معاضدالملك حاج‌میرزا رضاخان • عزالممالك • دکتراسمعیل خان • ارباب کیخسرو• افتخارالواعظین• معدل‌الدوله

رئیس - ماده پنجم کمیسیون که حالا ماده ۳ شده است قرائت میشود.

ماده۳- کمك‌خرج‌هرساله‌دربودجه‌پیشنهادمیشود ودر کنرات‌ذکرنخواهدشد.

رئیس —این چیزی نیست‌که ما درآن‌رای بگیریم ماده اول که راجع بود بمدت‌که رای گرفته شده است واین ماده دویم‌که رای گرفته شده‌مطابق است با ماده ۳ و ٤کمیسیون فوائد عامه این‌ماده پنجم‌است‌که‌در این‌راپورت ماده ۳ شده است‌مخالفی نیست رأی می گیریم آقایانی‌که باین‌ماده موافقند قیام نمایند- (ردشد اظهار شدکه‌توضیح نشد رأی مشکوك‌شد)

رئیس — این راپورت مدتی است طبع و توزیع شده و بنده‌هم اطلاع‌دارم اگر همراه‌آورده بودید این‌طورنمیشد یك‌مرتبه دیگر خوانده‌میشود ورأی گرفته میشودمجدداً قرائت‌شد.

فهیم‌الملك -بنده‌تصورمی کنم کسانیکه‌رای ندادند بجهت‌این بود که‌ماده‌قانونی که‌درمجلس آن‌رأی گرفته‌شود نبودومنتظر بودیم که‌معاون‌پست‌وتلگراف آنرا مسترد بدارند حالا هم استدعامیکنم‌مسترد دارند‌که که احتیاج برای مجلس نباشد

حاج سید ابراهیم — عرض می کنم این ماده اشاره ببعضی ملاحظاتی است‌که در پیش برخلاف قانون گذاشته بودند وحالا لابدبایدذکر شود که‌معلوم شود وظایف‌او درتحت نظروزیراست [گفتند صحیح‌است]

رئیس — رای می گیریم آقایانی که موافقند قیام نمایند — (باکثریت ۵۲ رای تصریب‌شد) .

ماده٦ — کمیسیون‌فوایدعامه بعبارت‌ذیل‌قرائت شد که ماده دیگری بشود ماده دیگری در کنترات ذکرشود که وزیر پست وتلگراف هرخدمتی راجع باداره تلگراف بمسیو مولیترجوع‌نمایند از قبول آن مکلف است ولی اگر آن خدمت مستلزم مسئولیت دیگری باشد که مدیرکل را ازخدمت اداره پست منصرف نمایند دولت یکنفرمعاون کافی باوخواهد داد

آقا میرزاابراهیم‌خان — بنده باین دلیل مخالفم بااین ماده که عرض می کنم که وزارت پست وتلگراف بخواهد یك معاونی برای‌او آورده مانباید رأی بدهیم بیك معاونی موهوم هر وقتی که لازم دانست یکنفر معاون بدهد که کارهای اداره تلگراف رامرتب بکنند درآنوقت بمجلس‌پیشنهاد خواهد کرد وماهم درآنوقت رأی‌خواهیم داد

بهجت — این یك اشتباهی می‌شودو باید حل شودیك نسبتی است بین وزیر و مستخدم اگر وزیری ازاداری پست‌خواست‌استفاده ازاین‌مستخدم بکند نباید یك مانعی درپیش پای خودش به بیند مثلا اگر وزیری آمدوبدون اینکه یك‌معاونی‌برای او معین بکند یك کاری را باورجوع می کنید که اسباب اختلال امرپستخانه شده معلوم است‌این ترتیبی

است که بین وزیران است و مستخدم و مقصود این است که سرخود نباشد مستخدمین باید مطیع وزیر اداره باشند اینجا همین قدر حق میدهد بوزیر که اگر خواست یك استفاده از معاون بکند بکند و نمی‌تواند اداره را مختل بکند ازبرای اینکه یك مستخدمی‌را بیك‌جای دیگر بگذارد

معاضدالسلطنه — بنده مخالفم با این ماده که مسیو مولیترمدیر پستخانه باشد هم‌تلگراف خانه برای این که یك گمرکچی را آوردند مدیر پستخانه کردند و در صورتی که هیچ اطلاعات از تلگرافخانه ندارد و مدیر تلگرافخانه‌اش هم می کنند این‌راجع باین جانیست این جا مذاکره‌در ماده ۶ است درکلیات که مذاکره میشد خوب بود این اظهار رامیکردید .

معاضد السلطنه — الان رای گرفته می شود .

رئیس — باشدراجع باینجا نیست

حاج آقا — بنده جزء اول‌ماده‌راموافقم ولی آنعبارت آخر را مخالفم بواسطه این که‌وزیر هر وقت یك کاریرا رجوع میکند بیك مستخدمی وقتی که دید او بتنهائی از عهده برنمی آید البته برایش معاون معین می کند این یك التزامی نیست که در ماده کنترات بنویسم من هیچ قانونی نمی دانم که در کنترات بنویسم‌من هیچ نطقی نمی‌دانم که در یك ماده کنترات بنویسیم که من‌هیچ قانونی نمیدانم که‌در کنترات بنویسندمن هیچ منطقی‌نمیدانم که در یك ماده کنترات بنویسیم که اگر وزیراز کار های اداری باز بماند یکمعاونی بگیرد آنوقت هروقت بخواهد میگوید از کار های اداری بازمیمانم‌یکمعاونی بایدبگیرم این ابدآمنطقی نیست بنده پیشنهادمیکنم که‌آن جزءآخرش راحذف کنند ودرثانی رأی گرفته‌شود .

حاج‌سیدابراهیم — مخبر کمیسیون‌فواید‌عامه خوب‌دفاع‌نمیکنند مخصوصاً نظر وزیراین بود که‌در اداره‌پست‌وتلگراف که‌وزارت‌نیست‌یکوزارتخانه است وکارهای اوبهم مربوط است‌و مقصود این بود که اورا مدیرپست و تلگراف بکند بلکه مقصودش این‌بود که از وجود همچو مستخدمی بخواهد استفاده بکند بتواند که‌ازبعضی مستخدمین‌جزء مستغنی بشود یابعضی‌نظامنامه‌ها که لازم بشود مدون بکند بتواند درسابق وقتیکه این‌تکلیفات بمسیومولیترمیشدمیگفت شایدمرامجبور کند که‌هزار خدمترا قبول کنم پس‌این را قید کنند که‌اگرلازم شد یك معاونی بمن بدهند که کمك بمن بکنند که‌منهم بتوانم باینکه خدمت برسم فقردویم‌راباید‌تصویب کرد مقید کردن باتصویب وزیر ولزوم ضرر ندارد چون فقره اولش را تصویب کرده اند این‌راهم باید تصویب بکنند .

رئیس — مذاکرات کافی نیست (اظهار شد کافی است) پیشنهادی آقای حاجی آقا کرده‌اندخوانده میشود (بعبارت ذیل‌قرائت شد .)

بنده پیشنهاد میکنم که‌دراین ماده جزء آخررا از اول کلمه (ولی)تا آخرماده حذف شودحاج آقا .

رئیس — رای‌میگیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام نمایند (رد شد) .

معاون‌وزارت‌پست — چون‌بعضی‌اختلافات میشود بنده‌لازم نمیدانم اصل‌اینماده را مسترد میدارم ووزارت خودش برای تلگرافخانه‌فکری کرده است و ترتیبات دیگری از برای اصلاح تلگرافخانه در نظرداریم .

رئیس — چون بعضیها باجزء موافقندو لازم میدانندشما که پس‌میگیرید بآنها مخالف میشوند باید اصل ماده‌قرائت‌شود (فقطماده‌قرائت‌شد .)

رئیس رای‌میگیریم باینماده بطوریکه خوانده شد آقایانی که موافقند قیام نمایند(ردشد) .

رئیس — حالارأی‌میگیریم درکلیه‌این کنترات که‌مشتمل‌است برسه‌ماده مادهٔ‌اول‌راجع‌بمدت‌خدمت‌ماده دویم راجع‌بمقرری وحقوق اوماده سیم‌راجع به‌تعیین وظایف‌او باتنظروزیر باورقه‌رأی خواهیم گرفت آقایانی که موافقند ورقه سفید آنهائی که مخالفند ورقه آبی خواهند انداخت دراینموضوع شروع‌باخذآراء گردید - حاج میرزا رضا خان اوراق رأی را احصاء نمودند .

رئیس [باکثریت ۳۸ رأی‌از ۷۰ نفر تصویب‌شد]

اسامی‌تصویب کنندگان آقاشیخ‌رضا دهخوارقانی آقاشیخ ابراهیم - آقا میرزامحمد نجات - سلیمان‌میرزا - صدرالعلماء - حاج میرزارضاخان‌-انتظام‌الحکماء - شیانی - معدل‌الدوله - مصدق‌الممالك‌حاج‌سیدنصرالله - آقاسیدحسن مدرس - ذکاءالملك ارباب کیخسرو - آقاشیخعلی شیرازی - حاج سید‌ابراهیم - آقاشیخ غلامحسین - معتمدالتجارضیاء‌الممالك‌تربیت - آقامحمد بروجردی - حاج‌عزالممالك میرزامرتضی‌قلیخان - افتخارالواعظین - آقاسیدحسن گزازی - آقامیرزااحمد - متین‌السلطنه - آقاسید‌محمدرضا - آقامیرزا ابراهیم قمی - آقاسیدحسین‌اردبیلی - لسان‌الحکماء - دکترحیدر میرزامنتصر السلطان - میرزا ابراهیم خان - معاضدالملك - وحید‌الملك - فهیم‌الملك - حاج‌شیخ‌الرئیس .

اسامی‌اشخاصی که‌ردنموده‌اند - معاضدالسلطنه - هشترودی - حاج‌شیخ‌اسدالله - حاج‌محمد کریمخان - بهجت

رئیس - قرار داد خالصجات ولی بنده قبل ازاینکه داخل مذاکره بشوم عرض میکنم متحیرم که درچه مطلبی میخواهیم مذاکره کنیم و به چه ترتیب رأی بدهیم چون از طرف هیئت دولت یك کنتراتی ویك قراردادی بطرز قانونی‌پیشنهاد نشده است که مجلس درآن‌باب رأی بدهد حالا این‌یك قراردادی است که هیئت دولت هیچ درآن مداخله ندارد وهیچ هم‌نوشته‌اند ولی‌چون داخل در دستور کرده بودیم این است که حالاداخل میشویم‌دراین مذاکرات ولی ازحالا عرض میکنم این‌سابقه نباید باشد برای سایرمطالب حالا مذاکره خواهیم کرد در کلیات چون بعضیها مخالفت دارند با اساس و بعضیها درمواد لهذاآنهائیکه بااساس می گفتندحق تقدم دارند آقای آقا شیخ علی با اساس مخالف هستید بفرمائید .

آقاشیخعلی شیرازی- بنده‌کلیه بااینطور قراردادها و کنترات‌ها مخالف‌هستم یك‌ملکی‌را یك مرتبه اجاره میدهند بکسی این عیب ندارد‌یکمرتبه ازاین قبیل کنترات‌ها که‌بعضی حق حاکمیت‌دارند بعضی حقها که میگویند دارند این اشخاص که‌صاحب کنترات یا اجاره هستند نسبت برعایا وتقدمیکنند اگرچه این مسئله طبع وتوزیع نشده‌یکی‌ازقراری که شنیده‌ام گفته شد قرار کرده‌اند که رعایا حق قضاوت نداشته باشند

رئیس — معلوم می‌شود شما با اصل قرار داد یعنی بااسامی مخالفتی ندارید این‌راجع‌بمواد وشرط است .

آقاشیخعلی — کلیات هم‌لابد مشتمل‌این چیزها است .

رئیس - صحیح است ولی درمواد این‌گونه مذاکرات بایدبشود .

لواء الدوله — اگر در خالصجات یك انتفاعی است چه ضرردارد این انتفاع راخوددولت بلاواسطه ببرد علت‌ندارد که ما۱۶ سال قراربدهیم که دست یك کمپانی باشدبنده باشخص طرف‌نیستم هر کس باشد اعم ازاینکه داخله باشد یاخارجه ولی عرض می کنم ممکن است که اعیان این خالصه را تمام بمصرف‌برسانند ودو مرتبه درخت غرس‌بکنند که بموقع برسد وتحویل بدهند تصورنمی کنم‌دولت این آب وخاکی واین منافعی راکه برای خودش ذخیره کرده است بدهد بدست پنج شش‌نفر این‌یك مسئله‌اش ویکی دیگر اینستکه تابحال این کمپانی بدون حق درآن خالصه مداخله کرده است از آن گذشته جمعیتی صد هزار یا دویست هزار نفر از رعایا تاحال عارضند از بابت تعدیات واجحافات و دیگر از این گذشته قبل ازوقت بدونفر دومحل را بعنوان امتیاز داده‌اند که یکی ازآنها در مجلس گذشته است ویکی را وزراء داده‌اند که هردو آن ها در مجلس است و شاید سواد آن ها را هم بنده دارم .

حاج آقا — این کنترات یکدفعه دیگر هم بمجلس آمده و حثیات وکلاء بالنسبه باساس این‌کنترات ظاهر شد وبرگشت‌و نمی دانم‌چطور شد که باز بمجلس آمده و مطرح مذاکره شد همان‌طور که آقای رئیس بیان‌کردند بنده‌متحیرم که در یك همچو کنترات فاسد چطور میشودصحت کرد ترتیب این‌جور کنتراتها در مملکت همانطور که گفته شد بکلی مضر است و یك سلطنت مستقله پهلوی پایتخت در مقابل یك هیئت دولت درست کرده‌ایم اگر تمام موادش هم درست و بمیل ماها باشد بنده این نمره کنترات طولانی را برای‌حالیه مملکت مضر می‌دانم بجهت‌اینکه باعادات و اخلاق امروزه یك جماعت‌یك دسته یك امری را وقتی در دست‌می گیرند خصوص دریك زمان ممتدی‌بهیچوجه نمیشود جاو گیری کرد و این برای دولت اسباب زحمت فوق‌العاده خواهد شد و اسباب شکایت‌رعایا خواهدشد بنده درکلیه املاك دولتی عقیده ام این است که مدتش راکه اجازه میدهند از دو سال‌بیشتر نباید باشد این نمره کنتراتها را لابد نمی‌توانیم تصویب کنیم بعلاوه این کنترات آندفعه که آمد بمجلس بکلی حیثیات در آن معلوم شد حالا هم عقیده‌ام این‌است که‌این کنترات اصل بطلانش‌واضح باشد که مورد مناقشه واقع‌نشود علاوه بر اینکه‌این خالصجات‌اطراف طهران ازقراری که بنده‌مسبوقم

که در زمان مرحوم‌صنیع‌الدوله‌هم محل گفتگو بود اینکه اجاره داده شده بوده است یا خیر در زمان مجلس سابق‌در یك مدت‌معین و با آن تکلیف بکلی اساس این کنترات‌صحیح‌نیست و تصور می کنم که همچو کنتراتی را بر فرض صحت اساساً بنده هیچ تصویب نمیکنم این راو گمان می‌کنم در شرایط اینهم نباید داخل شد این راباید رد کرد وهمچنین کنترات را هم‌باید بدولت اخطار کرد که مجلس‌این قبیل کنترات بااین‌زمان‌ممتد را تصویب‌نخواهد کرد علاوه هم ازطرف وزارت‌خانه یك چیزی پیشنهادی نشده است پس‌ازحالابایدا اعلان کرد که دولت‌بداند بکلی باطل بوده بکلی بتصویب مجلس شورای‌ملی ندهید و دولت هم یك ترتیبی برای خالصه بدهد مباحثه‌و گفتگو گمان نمیکنم‌داشته باشد

معاونت‌وزارت‌مالیه — بنده‌اول‌تصورمی کردم که‌دراساس این کنترات گفتگو است‌بعد که معلوم شد که در اساسش گفتگو ندارند فقط درموادش نظراتی‌دارند که مدتش زیاد است حق حاکمیت داده‌اندیابعضی موادیکر آنهارا که وزارت مالیه خودش‌درمذاکره و در صدد اصلاح است و گمان می کنم‌که موفق شویم که این‌موادرا کاملااصلاح کنیم‌بطوریکه‌موافق دلخواه آقایان‌باشد .

حاج آقا - توضیح‌دارم .

رئیس - بفرمائید .

حاج آقا — من نفهمیدم از کجا عرایض بنده را آقای معاون استنباط کردند که در موادآن گفتگو داریم بنده عرض کردم این را ما اساساً قبول نداریم علاوه بر این کنترات بواسطه سابقه که دارد وعرض‌شداصلا باطل‌است .

معاون‌وزارت‌مالیه — بنده کاملا مسبوق شدم که مقصود آقا چه چیز است‌می‌فرمایند که‌دولت نباید املاك خودش را اجاره بدهد یا این اجاره با اینخصوص صحیح‌نبوده و باطل است صرفه‌دولت مقتضی‌این است که تمام‌املاك را خودش اداره‌بکند اجاره ندهد ولی در اینکه میفرمایند کمپانی سابق بوده است‌و اجاره کرده است بنده هم تصدیق‌دارم و از بین آنها کسی که باقی است که اظهار میکند آقای عین‌السلطنه است و آقای عین‌السلطنه را هم مسبوق‌هستید که درطهران‌نبودند و تصرف‌نکردند یعنی دوره استبداد مقتضی نشده اظهاری بکند و این ملکی که در اجارهٔ‌آنها بوده نزدیك بودبکلی لم‌یزرع و مسلوب المنفعه بشود حالا هم وزارت مالیه حاضر است که با عین‌السلطنه این عمل راختم کندبعد ازوضع آنچه‌دولت گرفته‌است‌از کمپانی‌بدهد بعین‌السلطنه و تا مدتی که از مدت کنترات سابق باقی‌مانده‌داشته‌باشد .

حاجی‌دکتررضاخان — بنده گمان می کنم ابتدا تا یك مطلبی تصریح و معلوم نشود ما نمی‌توانیم نه در اساس نه در مواد آن داخل شویم ما نمیدانیم که‌این کنتراتی که‌ازطرف وزیرآمده این‌را صحیح‌می‌دانند وامضای خودشانرا هم صحیح می‌دانند و تصدیق دارند که این کمپانی ازروی حق‌عمل میکند یانه .

رئیس — ازطرف وزیر نماینده است .

حاج‌دکتررضاخان - ازطرف وزیر که نماینده است پس ما از حالا باید بدانیم که در چه مذاکره میکنیم حالا اولش است بعد می‌خواهیم کنتراتی داده شود ومانمی‌توانیم درمواد آن‌تغییر و تبدیلی بدهیم یااینکه خیر آیا این ثابت است و چنانچه این ثابت باشد امروز هم یك پروتست نامه است وهیچکس حق ندارد که یك کلمه درباب‌اجاره دادن یاندادن حرف بزند .

رئیس - پروتست‌نامه‌اگر هست یانیست‌بنده نمی‌دانم و بهیچوجه هم مربوط باینمطالب نیست .

دکترحاج‌رضاخان — بلی چنانچه گفته شد گمان میکنم هیئت دولت دراینجا ازحد خودش خارج شده‌است بجهة‌اینکه هنوز اصل قانون‌اساسی درنقل و انتقال تفسیر نشده استکه ببینیم لفظ‌انتقال اجاره راهم‌شامل‌میشود یانه چنانچه درهمین کنتراتی که عجالتا مطرح مذاکره است که کنترات سابقی که مجلس سابق تصویب کرده است باو واگذار میشود پس‌معلوم میشود این سابقه داشته است‌که دراین مواد حق‌دخالت داشته است پس امروز هم باشد باید دولت پیشنهاد بکند اگر صلاح بداند کنترات داده شود ودر موادش داخل شویم واگر صلاح نیست که‌ابداً داخل نشویم وهمچو نیست‌که می‌فرمایند عین‌السلطنه مدعی‌است ومدعی دعوایش بی‌پا است بعداز اینکه هیئت دولت‌رئیس اینکار را کرده است‌هیئت‌دولت‌نباید بهم بزند اگر ملاحظه دولت رابکنیم‌بایدامضای‌دولت‌سابق‌را ملاحظه بکنیم

رئیس — هر چیزیکه در خارج می‌شنویم نمی‌توانیم درمجلس اظهار بکنیم

افتخارالواعظین - حالا بنده اینجا هیچ لازم نمی‌دانم باینکه اصول مقدمه قوانین اساسی‌را برای آقایان بخوانم که‌موافق‌این‌اصول تکلیف دولت ومجلس‌مقدس‌شورای‌ملی درخصوص‌این کمپانی‌چیست ولی فقط بنده مخالفم بدو علت استدعا میکنم توجه بفرمائید عرض میکنم در وسط زمستان امسال وقتیکه یکقدری احتمال کمی غله میدادیم و یك‌روز وزیر داخله‌یا مالیه که‌آنوقت مرحوم‌صنیع‌الدوله بوده‌وچندنفر ازبلدیه باحکومت‌طهران‌آمده بودندبکمیسیون‌داخله‌ازبرای اینکه مذاکراتی‌بشود برای تهیه شدن غله‌ازبرای اهالی طهران آنجادر بین مذاکرات‌مرحوم‌صنیع‌الدوله‌یك‌فرمایشی‌فرمودند که بنده‌آنراهیچوقت فراموش نخواهم کردفرمودند علت اینکه مرحوم ناصرالدین شاه تمام خالصجات اطراف‌رافروخت‌وخالصجات‌متعلقه‌بطهران‌رانفروخت علتش این بود که نان اهالی طهران باید ازگندم این‌خالصجات تهیه شود ونظر دولت باین بود که همیشه دولت محصول این‌خالصجات رادر اول خرمن خودش اداره و برداشت کنند و بیاورد طهران در انباری‌بریزد مقابل‌چشم‌مردم مادامی که سایرملاکین گندمهای خودشانرا احتکار نکرده اندومیفروشند و مادامی که نرخ گندم زیاد نشده است دولت باید نگاه بکند ومنتظر وقت باشد واگر آنهاخواستند بواسطه احتکار قدری آذوقه مردم اینشهرپایتخت بسختی‌و صعوبت بیندازند دولت ورا ازآن انبارها که ازخالصه داردحمل میکند و بیك قیمتی که از قیمت عادله یکقدری نازلتر باشد بفروشد و همیشه جلوآذوقه ونان و گندم این‌شهررا برداشته باشد و گندم این‌شهر و قیمت نان اینشهر در دست دولت باشد و بشما میگویم شمادر سال گذشته مراتب‌صد هزار تومان خرج کردید برای تهیه آذوقه مردم اینشهر باچه‌صعوبت‌وچه‌سختی و اماساله‌هم آنچه که بنده مطلعم دولت چقدر متضرر شده است ازبرای اینکه گندم خالصه در تصرف او نبوده است حالا مال‌الاجاره کاملا باوداده شده‌یا داده نشده‌است یك عبارتی‌مرحوم‌صنیع‌الدوله گفتند که اعضای کمیسیون داخله مسبوقند وبنده نمی‌خواهم آنعبارت راتکرار کنم بنده‌عرض میکنم که‌سال گذشته صدهزارتومان وامساله هم‌مبالغی دولت متضرر شده است از برای اینکه اراطراف وجوانب ازعراق‌ازقزوین‌ازخالصه از جا های دور گندم تهیه کند و چه کرایه های گزاف بدهد بچه سختی وسائل حمل ونقل بدست بیاورد بجهت اینکه گندم خالصه در قبضه وتصرف واقتدار دولت نبود وتاهروقت هم که این گندم درقبضه اقتدار دولت نباشد یعنی دولت این اداره را نکند اذوقه مردم این شهر بدست دولت‌نباشد دولت باید معادل آذوقه این شهر گندم وغله تهیه‌بکند ومعادل مال‌الاجاره این املاك‌خالصه همیشه برای آذوقه این شهر پول خرج بکند‌بجهت اینکه هر کسی که خالصه را اجاره میکند برای نفع اجاره میکند واین بدیهی است که گندم‌خالصه را درهمان محل خالصه انبار خواهد کرد وبایشهر حمل نخواهد کرد وماهم ناچار خواهیم شد که از اطراف گندم خرواری ده دوازده تومان کرایه بدهیم وبیاوریم بخبارها بفروشیم و گران باشد و دولت ازاصل قیمت چشم بپوشد یك جهت دیگر که بنده مخالفم با این کمپانی اینست که علت تمام این خونریزیها وتمام این زحمات و تشکیل این مجلس شورای ملی این بود که حقوق ضعفا وفقرا و رنجبر ها محفوظ باشد و مردم قوی نتوانند بر مردم زیر دست ایران و برفلاح وزارعینش که در چله تابستان باید شانه هاشان را بدم آفتاب سوز بدهند وگندم درو کنند تعدی کنند وحقوق‌آنها را ببرند وبآن تعدیات که در اینمدت از کمپانی نسبت بزارعین وملاحین ورنجبرهای این خالصه‌شده است گمان نمیکنم که هیچکس از اهالی طهران تصویب بکند که‌این کمپانی بحال خودش‌باقی‌باشد .

رئیس - بنده جرأت نکردم از اسمی ببرسم که موافق هستید یا مخالف لکن چون‌مراعات نظامنامه باید بشود اسامی را (اسامی کسانی که اجازه خواسته اند) میخوانم تامخالف وموافق‌معلوم شود (اسامی‌راخواندند .

ادیب‌التجار — بنده مقدم از همه اجازه خواسته ام چرا رعایت تقدم وتأخر را نمیکنید .

رئیس - مخالف هستید .

ادیب‌التجار - بله مخالف هستم .

رئیس - یکدفعه بجنابعالی اخطار کردم و دراین دفعه هم هیچ نمیگویم ولی بعد اگر چنین

اظهار بی‌نظمی بکنید اخطار باقید در صورت‌مجلس خواهم کرد .

حاج شیخ الرئیس — بنده همچو تصور می کنم آقایانیکه مخالفت بااساس کمپانی دارند کاشناماکان هیچ دلیل منطقی ندارد بواسطه اینکه دولت مالك املاکی‌است بهمان‌قانون الناس مسلطون علی‌اموالهم حالا میخواهد مالش را اجاره بدهدیا بیك طبقه دیگر منافعش را منتقل بکند بیك‌هیئتی یابیك شخص واحدی اساس این را چطورمیتوانیم بگوئیم صحیح‌نیست پس بنظر بنده‌ضدیت بااساسی که اظهارمیشود آقایان نمایندگان نظرشان‌معطوف بآن مواد فاسده ومضره آن کنترات است و بنده بااساس ضدیت را نمیتوانم تصور بکنم بعلت‌اینکه بعد ازآنکه یك ملکی ازخالصه جات دولت باآن شرایط که ایرانی باشد فاسد العقیده نباشد باآن شرایطی که هست وهمه میدانیم باآن شرایط اگر طبقاتی یایك شخصی یایك هیئتی برای اینکه‌طرف بادولت شود یاداراستجاره یادرمزارعه باآن عناوین شرعیه که همه میدانیم وبعضی بیشتر متوجه‌اند بنده میدانم که هیچکس مخالف با اساس نیست مثل اینستکه‌بنده میخواهم ملك خودرا اجاره بدهم‌حالا اگر اجاره فاسد بدهیم هیچکس نمیتواند بگوید که من دراساس اجاره مخالف هستم یا هیچ راضی نیستم دولت یك کمپانی یاخالصه جات درطهران و یادرسیستان رااجاره بدهد بنده مخالف‌نیستم‌و گمان ندارم کسی‌مخالف‌باشدپس نظر بنده براین‌است که‌باید مقتضی‌را موجود دانست و فقط مخالفتی درتصویب وتنقید این کمپانی بنظرمیاید وبنده اینجا یادداشت کرده‌ام که‌عرض کنم که همان‌اجاره سابقه‌است که‌آنهم بمه امضاء اولیاء دولت است و امضای وزراء اگر احترام دارد والبته محترم است والبته احترامش‌نسبت بسابق ولاحق هردویکی است واینکه یکی‌ازآقایان گفتندکه عین السلطنه که یکی ازمستأجرین بود و غیبت کرد غیبت مستأجر هیچ اسباب فسخ نمی شود وانگهی غیبتی که ازروی اضطراروا‌ضطراب وتهدید وتحدید و باجباری بشود درآنوقتیکه روز بمباردمان مجلس بود همه میدانند که جانفشانی کرد ونزدیك‌بود که‌کشته شود وآخر بیرونش کردند اگر بناشود که غیبت شخصی را آنهم یك غیبتی که نمیتواند اظهار تظلم بکند بیك دولت ظالمانه جابره مستبده خوب حالا که برگشته است عرض حالش رامیکندوبمجلس مقدس هم عرایض تظلم داده است وهمین مطلب را که بنده عرض میکنم اساساً باین جهت این اجاره را باطل میدانم والاهیچ علت ندارد اساساً بکمپانی‌ندهد صحیح است وصلاح دولت هم همین است.

محمد هاشم میرزا — بله ماسلب تسلط دولت رانمیخواهیم از املاکش بکنیم که اجاره بدهد یاندهد ومخالفتی که درکلیات این داریم نظر به این نیست که عین السلطنه غائب یاحاضر بوده است و محاکمه‌اینهم‌راجع‌بمجلس‌نخواهدبودبنده‌عرض‌میکنم که بموجب اصل ۲۲قانون اساسی که دولت انتقال بدون تصویب‌مجلس نمیتواند بکند واین انتقال که انتقال منفعت‌است واجاره بایستی که باطلاع مجلس‌شورای ملی باشدونبوده است واین باطل است وبعددرترتیب اجاره اش هم حرف داریم میگوئیم این ترتیب‌اجاره کاملا آسایش عامه راتأمین نمیکند وعقیده بنده این است که دولت خودش اداره کند وبجزو اجاره بدهد اگرخود آنها معتبرهستند این وجه اجاره را ازآن هابگیرد واگرمحتاج بتأمین یاحمایتی هستند آنهارا هم بترتیبی که دولت خودش میداند اداره کند که دولت بتواند آنطوریکه هم منفعتش بهترخواهد بود هم عموم افرادی که دراطراف طهران زندگانی می کنند درکمال آسایش وراحتی بتوانند زندگانی بکنند واشکالی نخواهدداشت بجهة اینکه اگربگوئیم دولت باین واسطه به اشکال خواهد افتاد پس باید بگوئیم که دولت ازگرفتن سی کرور مالیاتهم باید در اشکال بیفتد وحال آنکه اینطور نیست بجهت اینکه بهمان ترتیبی که اداره میکند ومالیات پنجقران ویك تومان ودو تومان را ازرعیت میگیرد و همانطور با این‌مستأجرین رفتار خواهد کرد وهیچ اشکالی‌نخواهد داشت که پنج خروار وده خروار جنس اجاره را از آنها بگیرد یقین است که این اشخاصی که با دولت طرف خواهند بود سهل تر و آسان تراست وصول مال‌الاجارهٔ این املاك ازآنها تا مالیاتهای جزء لهذا بنده مخالف هستم که آقای معاون فرمودند که دولت اداره نمیکند خیراداره میکندوعقیده بنده هم اینست که چون موافقش کم است‌درکلیات اگررأی بگیریم ردخواهد شد اگرهم درمواد واردخواهیدشداشکالات خودمانرا درمواد هم عرض میکنیم .

رئیس — مذاکرات کافی نیست؟(بعضی‌اظهار کردند کافی و بعضی گفتند کافی نیست)

رئیس — رأی میگیریم در اینکه مذاکرات کافی است یاکافی نیست آقایانیکه مذاکرات راکافی میدانند قیام نمایند(باکثریت رد شد).

کاشف — بنده تصور میکنم که‌ازمذاکرات ابداً مانتیجه نگیریم بجهت اینکه نظر دولت‌معلوم نیست‌و آقای وزیر مالیه هم که در هفته قبل اینجا اظهار کردند راجع بامضاء دولت وعدم امکان تغییر فوری تشریف‌ندارند تاتوضیحات بدهند ولی‌امضاء دولت رایك چیزعادی قرار بدهیم بنده‌هیچ همراه نیستم که دولت این‌امتیاز راداده است خوب کاری کرده است خیر خوب کاری نکرده است لکن مسئله امضای دولت‌را هیچ ابداً درنظرنداریم‌برای اینکه اینکار اگر بامضای وزیر شد از وزیر باید سئوال یااستیضاح کرد واگرمیگویند اطلاع‌نداشتم این یکماه است که آمده است‌بمجلس و چندین ماه قبل‌هم آمد بمجلس آنوقت هم نه سؤال کردند نه استیضاح و دولت‌هم‌امضاء کرده بود نمی‌تواندودولت امضای خودش را پس بگیرد در اینصورت بدون اینکه‌حضوروزیرباشد اینجا مانمی‌توانیم رأی‌بدهیم وراضی درموادشویم وگفتگو کنیم‌ویك نتیجه‌بگیریم واین رادولت امضاء کرده‌است و امضاء او همیشه باید برقرار باشد بااینکه میتوان هر ساعتی او را متزلزل کرد بنده خیلی اهمیت میدهم امضای دولت راامضای هر کسی راهر کسی امضاء میکند باید امضای خودش راحفظ کند ودولت امروزمجبوراست که چون امضاء داده است امضای خودش را حفظ کند وبیاید برای تعدیل درمواد چون گفته‌شده‌است که مواد تعدیل خواهدشد وقتیکه مواد تعدیل‌شد رأی خواهند داد وباید تعدیل شودو اینجا بیایندو بگویند وتاوقتی که نگفته اندنمی‌توانیم رأی‌بدهیم واما درمسئله‌قانونی‌بودن اظهار میکنند این‌برخلاف قانون است بنده عرض‌میکنم برخلاف قانون بودن کمپانی رااز کجا بفهمیم یك کمپانی بادولت طرف میشود ویك امتیازی رامی گیرد میفرمائید که‌خلاف قانون است‌در کجای این‌قانون نوشته است که دولت نمی تواند یك اجاره بدهد مگر باجازه مجلس در آنجا هم مسئله اجاره هیچ تصریح نشده است حتی این‌مسئله هم درمجلس مطرح مذاکره بوده است‌و تصویب نشده است‌وتکلیف هیچکس معلوم‌نیست که این انتقال مشمول اجاره است یا چیز دیگر است که اول باید بتصویب مجلس برسد و بعد بگذرد درصورتی که تکلیف آنها هم‌معلوم نیست حالاهیچ اینکه‌رارا بدون حضور وزیر نمیشود مذاکره کرد بایدوزیرحاضر شود وتوضیحات‌بدهد اگرشمامتقاعد شدید رأی میدهد والا رد میکنند حالا مذاکرات دراینجا هیچ فایده ندارد درصورتیکه خود آقای وزیر مالیه درچندجلسه‌قبل‌حاضر بودندواظهار کردند که‌مانمی‌توانیم باین سهلی امضای دولت را منفصل بکنیم تاخودشان نباشند ماچه مذاکره بکنیم

آقاشیخ غلامحسین- اولالازم‌است‌عرض کنم که این اظهاراتی که آقای کاشف فرمودند که باید تعدیل شود اولا آن ماده قانون حق نمی‌دهد باین که وزیر یك همچو کنتراتی را امضاء کند برفرض که بخواهند تفسیر بکنند یك‌نفر وزیر یایك‌وکیل نمی‌تواند آن ماده را تفسیر بکند ویك حقی را از مجلس شورای ملی بگیرد وآن حق را واگذار بکند بوزراء یاهیئت دولت باید اول آن ماده قانونرا تفسیر کرد وآن اجاره را از مدلول انتقال خارج کرد آنوقت آقای کاشف بفرمایند که باید تبدیل شود ولی حالا مادامی که مجلس شورای‌ملی آن ماده را تفسیر نکرده است وخارج نکرده‌است اجاره را انتقال آن ماده از اینکار را بکند و همه کس می‌داند که شامل آنهم می‌شود و این که می‌فرمایند وزیر مالیه‌نیست معاون وزیر مالیه‌اینجا هستند واو نماینده ومعاون رسمی وزیر مالیه است ودراین‌جا هست و می‌شود مذاکره کرد اینهم هیچ دلیل نمی‌شود برای این که این‌مطلب این‌جامطرح نشود اما راجع باین کنترات یکی از آقایان فرمودند چطور می‌شود تصور کرد اجاره را که کسی مخالفش باشد این جهت تصور می‌شود و یك نفر هم هست که تصور بکند تمام آقایانی که این‌جا تشریف دارند مخالفند و آنهائی هم که اظهار کردند همه مخالف بود با این اجاره و نظر آنها اینستکه دولت همانطوری که می‌تواند ۲۶ کرور مالیات خودش را اداره کند همانطور هم می‌تواند این‌چند پارچه املاك خودش را اداره کند واین اهالی خالصه را بفروشد بیك جمعیتی که‌آنها هرچه می‌خواهند باآنها رفتار کنند ویك حکومت مستبده‌مستقله تشکیل‌دهند که‌بهیچوجه دولت‌خودش نمی‌تواند مداخله بکند و رسیدگی کند من‌نمی‌دانم ایلات‌را هم می‌شود کمپانی داد ایلات راهم‌می‌شود کمپانی و او ایلات راهم می‌شود اجاره داد بنده‌با

تمام مواد این کنترات مخالفم و اصل این کنترات را مضر می‌دانم‌برای دولت وبرای‌اهالی خالصه.

رئیس — بازهم اسامی را می‌خوانیم برای این که‌معلوم شود کی‌موافق‌است (اسامی راخواندند تمام مخالف‌بودند).

سلیمان‌میرزا — بنده اساسا باهر کمپانی که‌از این‌قبیل باشد مخالفم اعم‌از این که‌شرایطش هرقدر تصور شودمعتدلانه‌باشد فرضا حکومتش را هم حذف کنند یا تعدیات دیگری بکنند یا نباشد عموما مخالف هستم چرا برای این که محقق است که وقتی که رعیت را مداخله وحق دادند در آن زحمتی که‌می کشد حاصلی که‌برمی‌دارد بهتردلسوزی می کند و از آن زمین بهتر می‌تواند حاصل بردارد و بتجربه‌ثابت شده است که جاهائی که خورده‌مالك هستندورعایا برای خودشان زحمت می کشند حاصل دست رنج‌خودشان‌بخودشان‌میرسد آنجاها بعضی‌اوقات ۶ برابر ۷هفت برابراز آنجائی که‌مجاور آنهااست‌و مال یکنفر اربابی‌بوده که‌رعیت مستاجر اوبوده‌است حاصل می دهند ما تمام نظرمان این است که‌ثروت مملکت ما زیاد شود ومملکت مابالاخره یك‌مملکت زراعتی خواهد بود بنابر این هرچه سعی بکنیم که زراعتمان راترقی بدهیم ثروت مملکتمان‌را ترقی داده ایم حالا بطور کلی نمی‌خواهیم در اینموضوع گفتگو بکنیم ورعایا را بخواهیم سهم بدهیم آن جای خودش وبموقع خودش خواهد رسید اماتعجب می کنم که در پهلوی طهران و املاك خالصه یك مشت رعایا را بگذاریم زیر فشار و هرروز فریاد های آنهارا بشنویم و آنهاهی داد وفریاد بکشند پس از آنکه بزحمات زیاد یکمشت محصول‌بدست بیاورند آنراهم باسم ارباب یامالك از آنهابگیرند حالا چون اینجا مال دولت است این دو اسم که ارباب و مالك‌است نمی توانم بگویم کمپانی خالصه فرض میکنم اجاره را هیچکس منکر نیست دولت هم معلوم است که ملك خودش است و می تواند بهر کس که بخواهد اجاره بدهد اما وقتی این نقل و انتقال صحیح میشود که نمایندگان دولت ومجلس شورای ملی در مال دولت که مال عمومی است‌رأی بدهند ومنافع آنرا هم‌هرقسم تصویب کنند بمصرف برسانند وهرقسم در این رأی بدهند آن صحیح خواهدبود وبنده گمان میکنم که هیچ ضرری‌نداشته باشد که نمایندگان‌ملت همانطور که‌اظهار فرمودند همه این اساس وزحمات از برای این بود که‌برای ضعفا یك اسباب آسایش فراهم بیاید والا اغنیاء هیچوقت درزحمت نبودند و از اشخاصی که همیشه با ضعفاء طرف شده اند آنها همیشه متمولین یا اربابهامش هرچه بوده عموماًصاحب نفوذ هاهمیشه بزیر دستهای خودشان تعدی‌می کرده‌اند اگریك چند نفری اتفاقاً در وسط آنها پیدا می شد که از بابت اخلاق سلیمی که داشتند تعدی نمیکردند آن نادراست‌این بود که عموماً بضعفا ورنجبر ها تعدی و اجحافات لایتناهی میکردند تمام این اساس و وضع این مجلس برای این شده است که حمایت ازین اشخاص بکنیم عقیده‌بنده براین است که‌خوب است این بناء را از نزدیکی‌مرکز شروع بکنیم و اشعهٔ این نور راحت وعدالت رااز مجاورپارلمان شروع بکنیم تا بجای دیگر متدرجاً برسد واملاك خالصه را بخورده مالك‌تقسیم بکنند وبهیچ ترتیبی هم مخالف نخواهد بود نه عقلا نه شرعاً نه انصافاً قانوناً این املاك خالصه را باین رعایای بیچاره که دربدو امر همه مال آنها بوده ومعلوم است که بچه ترتیب خالصه شده است وکیها خورده اند بخورده مالك تقسیم کنند وبآنها اجاره بدهند ودولت هم‌در این هفت فرسخی می تواند خودش اداره کند و اسبابش هم بخوبی شاید فراهم باید ودولت اجاره بدهد بهرترتیبی که می داند خالصه را برعایا بدهد و امتحان بکند و ببیند که محصولش از برای سال آینده اجرا خواهد شد برعایای جزء اجاره بدهد بهمان ترتیبی که شاهزاده محمدهاشم‌میرزا فرمودند وبهرقسمی که مالیاتشانرا اداره میکنند اجاره شانرا هم اداره واخذ می‌نماید باین ترتیب عایداتش هم برای دولت مضاعف‌می‌شود اگر مالیاتش پنجقران است آنوقت مثلا یك تومان و پانزده قران می‌شود اخذ آنهم خیلی سهل میشود وگویا مخارج‌جدائی نداشته باشدآن مأموری هم که برای این‌کار میرود از طرف دولت این‌را بخوبی می تواند اداره کند

رئیس - یکقدری ازموضوع خارج شدید

سلیمان میرزا — بلی باین ترتیب که اجاره دادیم از تعدی کمپانی راحت می شویم و بتنگی از آنهم گرفتار نمی شویم زیرا که یك‌نفر صاحب کندمی پیدانخواهد شد که احتکار کندوباعث تنگی آذوقه شهر بشود ازبرای رقابتی‌که درتهران بین رعایا در فروش گندم خواهد بودباعث‌ارزانی می شود وبعلاوه این اسباب می‌شود که این یك مشت رعیت بیچاره هم در نزدیکی طهران راحت می شوند و خورده خورده شروع می کنند بآبادی ماهم از تنگی آذوقه راحت‌می‌شویم وسایردهاتی‌ها هم متدرجاً به ترتیب آسوده وراحت می‌شوند

رئیس - مذاکرات راکافی می دانید یانه (گفتند کافی است)

رئیس - رای میگیریم بدخول در مواد

آقا شیخ ابراهیم — در اصل موضوع بنده عرض دارم .

رئیس - بفرمائید .

حاج شیخ اسدالله — بنده عرض دارم

رئیس . در چه .

حاج شیخ اسدالله — در کلیاتش

رئیس -درکلیاتش بناشد دیگرصحبت‌بکنیم

آقاشیخ ابراهیم - چیزی را که ما اینجا مذاکره می توانیم بکنیم باید آنرا اول مشخص بکنیم به‌بینیم موضوع مذاکره ما چه چیز است می‌خواهیم رأی بدهیم این‌صحیح‌است یا باطل‌است دخول‌درموادنمیخواهد اینکه‌لازم‌نبوددخول‌در موادش هم لازم‌نیست درچه رأی بایددادردراینمسئله که این باطل بوده‌است یاصحیح یکدفعه آن است که کنتراتی پیشنهاد کرده‌اند درباب آینده آن هروقت آمد درآن‌مذاکره میکنیم که‌آیاصحیح‌است یا باطل آنوقتیکه آمد مذاکره‌اش میشود پس اگر رأی بگیریم‌براین رأی‌می گیریم که‌این باطل است‌درچه‌موردپس‌بحقیقت‌موضوع‌مذاکره‌ما این‌است که این آیا صحیح‌است یاباطل‌اگرصحیح‌است هیچ مذاکره نداریم اگر باطل است بباز در مواد مذاکره نداریم .

رئیس - عرض کنم که اینطور نیست در - نظامنامه داخلی تصریح شده است وقتیکه دریك لایحهٔ مذاکره میشود اول‌میگویند در کلیات این مذاکره می کنیم بعدازآنکه از مذاکره در کلیات فارغ شدیم رأی می گیریم که‌داخل شویم در شور مواد یعنی آنهائیکه موافقند که‌این قانون راوضع کنیم رأی می‌دهند وآنهائیکه مخالف هستند در وضع آن قانون یعنی آنرا باطل می دانند رأی نمی‌دهند که‌داخل درمواد شویم حالا رأی خواهیم گرفت دردخول بمذاکره مواد آقایانیکه موافقند که داخل درشور موادشویم قیام نمایند (باتفاق‌تام رد شد) .

رئیس آقای حاجی امام‌جمعه چیزی نوشته بودنددرچندروز قبل راجع بماده ششم قانون‌معارف ولی بنده مایل بودم که خودشان اینجا تشریف داشته باشند توضیحاتی که خواسته می شود بدهند ولی چند جلسه است که تشریف نمی آورند واین مسئله‌هم قدری اهمیت داردوخوانده‌می‌شودهرطوری آقایان مصلحت‌دانستند آنطوررفتار می‌شود(بعبارت ذیل قرائت شد) مقام منیع ریاست مجلس محترم شورای ملی شیدالله ارکانه درفقره‌سیم ازماده‌ششم قانون معارف موقعیکه در کمیسیون مذاکرهٔ این- فقره بود قرار بود قید باجاره سلطان عصرودولت در آخر فقره منظور بشود حالیه نشده وبدون قید منظور ازمجلس‌محترم‌شورای‌ملی‌وامضای‌والاحضرت اقدس آقای نایب‌السلطنه گذشته است چون این فقره بدون قید معروض موافقت باشرع انورندارد این است تقاضا مینماید کمیسیون معارف مأمور رسیدگی و تحقیق این مسئله شود تا پس از تحقیق و رسیدگی مادهٔ جدیدی برای رفع محظور از این فقره سیم پیشنهاد مجلس نماید معین‌است مجلس شورای ملی همه وقت‌عدم مخالفت قوانین موضوعه‌خودرا باشرع‌اقدس بحکم نص‌قانون رعایت‌خواهندفرمود.

ذکاءالملك—چون بنده مخبر کمیسیون معارف هستم اجازه بفرمائید توضیح بدهم.

رئیس - چون بنده گمان‌میکنم دراینگونه مسائل حرف نزنیم بهتراست می‌فرستیم بکمیسیون معارف که آنجا مذاکره‌شود (گفتندصحیح است)

رئیس— آقای مشترودی راجع باظهاراتی که بنده در جلسه قبل کردم ایرادی داشتند ایراد خودشانرا خواهند کرد.

هشترودی- این‌را برای اینکه واضح باشد تاریخش‌را نوشته‌ام درجلسهٔ روزهیجدهم شهرجاری مجلس‌شورای‌ملی برای مذاکره یك‌فقره مطلب‌لازم بامضای دوازده نفر از نمایندگان محترم تقاضای جلسه‌خصوصی شده و بریاست‌مجلس‌پیشنهاد گردیده که در آخرهمان جلسه (این‌لفظش‌که درآخرجلسه

بد شده‌است) بایستی منعقد کرد و آقای رئیس در ختم مجلس این پیشنهادرا بعرض نمایندگان محترم رسانیده ضمناً اظهار داشتند که اگرچه مطابق قانون اساسی ده‌نفر از نمایندگان می‌توانند (یا فرمودند وزیر هم می تواند تقاضا کند ولی بنده چون لازم نداشتم اینطور نوشتم) مجلس خصوصی تقاضا کند ولی من چون مجلس خصوص را مخالف مشروطیت می‌دانم لهذا درمجلس خصوصی ریاست نمیکنم مجلس را ختم کردند ودر این بین چندنفر ازنمایندگانهم این اظهار آقای رئیس را تحسین کردند کف زدن مجلس را بهم زدند بنده اولا عرض میکنم مجلس سری راجع بامورمملکتی دوقسم می‌شود یکی اینکه امور راجعه مملکت درمجلس سری مذاکره وبموقع اجراء گذارده میشود ابداً درمجلس علنی اظهار نمیشود این قسم مجلس سری محققاً مخالف بامشروطه است و یکی اینکه امور مذاکره میشود ولی بموقع اجراء گذارده نمیشود مگر اینکه درمجلس علنی مذاکره شده ورأی گرفته شود چنانچه درقانون اساسی در اصل ۳۴ تصریح شده عمل شود این قسم مجلس سری مخالف با مشروطه نیست بلکه احیاناً فلسفه مملکت داری مقتضای چنین مجلس سری میشود وبتجربه هم رسیده پس بنده فرمایش جناب رئیس راکه در آخر جلسه سابقه علی اطلاقه این علی اطلاقه را رد میکنم دوم مجلس سری را تا بحال عمل شده و سابقه پیدا نموده است بایست باز عمل شود ولی چون همین اصل برئیس مجلس حق داده ومختار نموده است که مجلس سری را منعقد بکند — چون نوشته میتواند - ویانکند لذا باید جناب رئیس دروقت رد کردن مجلس سری بفرمایند که آقایان امضاء کنندگان تقاضای مجلس خصوصی را لازم دانسته ولی من لازم نمی‌دانم ویا اینکه بفرمائید برفرض لزوم من حق دارم که منعقد نکنم اینکه بفرمائید بطور اطلاق مجلس سری مخالف مشروطه است و اذهان اهالی مملکت را نسبت بیك اصل صحیح قانون اساسی متزلزل نمایند ویك اصل ازقانون اساسی را بااینکه معمول شده است مجری نکنند وسایر آقایان هم تحسین کنند و یا کف بزنند پس بنده اعتراضات خودرا اظهار وبآقایان نمایندگان هم که دراینموقع اظهارخوشوقتی نمودند بعدازاظهار تأسف اخطار می‌نمایم که ثبت آنها را برای حفظ درجات اصول قانون اساسی انتخاب کرده‌اند وباید بدانند که مشروطیت ایران ازروی همین قانون اساسی تأمین شده است واجرای اصول آن فرض ذمهٔ رئیس و فرد فرد نمایندگان محترم است وبنده ختم میکنم نطق خودرا بهمین نوشتهٔ خودم.

رئیس — چون این استیضاحی است که آقای هشترودی ازرئیس کرده‌اند باید رئیس جواب بدهد عرض میکنم که اینجادراین تفسیریکه کرده‌اید اشتباهی کرده‌اید وآن نطقی که در آنروز کردم گویا اورا درست تعمق نفرموده‌اید بنده عرض نکردم مجلس سری بامشروطیت ایران مخالف است عرض کردم مجلس خصوصی وسری بامشروطیت منافات دارد زیرا هر جائی مشروطیتی دارد تمام مشروطیت‌ها یکجور نیست هرمملکتی یکجور مشروطیتی دارد بنده باز عرض می کنم که مجلس سری را بامشروطیت کامل منافی میدانم وهرجاکه مشروطیت گرفته شده است برای این بوده است که تمام معایب مملکت علناً گفته شود که‌در چاره آن بکوشند جدیت نمایند اگر بنا باشد بودجه مملکتی را بیاورند درمجلس سری یاخصوصی بخواهند ومردم ندانند که عایدات مملکت در کجا وبچه ترتیب وبا چه اصول تحصیل می‌شود وبچه مصرف صرف می‌شود این بدیهی است یکچنین مملکتی که بودجه‌اش درمجلس سری خوانده می‌شود مملکت اعتباری نخواهد داشت برای اینکه یکی ازخصوصیات واختصاصات مشروطیت اینستکه تمام مطالب درمجلس گفته‌شود که همه بفهمند که اعتبار آنمملکت زیادشود آقای هشترودی بعضی امورات است که راجع بامور مملکتی است وتا رأی نگیریم بموقع اجراء گذارده نخواهدشد وبعضی مطالب است که مذاکره می‌شود ورأی گرفته نمیشود این صحیح است چنانچه بعضی مطالب در اینجا شده است مذاکره شده‌است ورأی گرفته شده‌است ودور هم نیست که آنمطالب را نتوان گفت امور مملکتی است ولی مردم از کجا میدانند که این قبیل مطالب که درمجلس خصوصی گفته می‌شود راجع بکدام یك از این دوشق است وآنوقت اذهان مردم میشود وآن اعتباری که شما میخواهید برای مملکت حاصل شود نمی‌شود پس بنده چیزی برضد قانون اساسی عرض نکردم عرض کردم بامشروطیت مطلق مجلس سری منافات دارد دیگر اینکه اصل ۳۴ قانون اساسی چنانچه فرمودند بنده حق می‌دهد که آنمجلس سری را که تقاضامیکنید اگر صلاح بدانم منعقد بکنم یا نکنم بنده صلاح ندیدم ومنعقد نکردم بهمین دلایلی که عرض کردم مجلس سری را منافی بامشروطیت میدانم.

هشترودی — توضیح دارم.

رئیس — دیگر دراین باب مذاکره نمیشود عرض کنم بعضی کمیسیونها منعقد میشود زیرا اوقات خودشان را معین کنند و کمیسیونها را منعقد کنند دیگر اینکه کمیسیون انتخابات درست جلساتش مرتب نیست واغلب از آقایان در دوجلسه بلکه درسه جلسه بلکه پنج جلسه حاضر نشده‌اند عجالتا ازذکر اسامی آنها صرفنظر می کنیم لکن اگر بعد مخبر کمیسیون اطلاع بدهد که حاضر نمیشوند اسامی ایشانرا مجبور میشویم که درمجلس بخوانیم — آقای میرزا احمد قبل‌از وقت اجازه خواسته بودند بفرمایند.

آقامیرزااحمد — عرض می کنم از بابت آقای معززالملك که از کمیسیون نظام استعفاء دادند عرض میکنم که یکنفر متخصص در اینکار بوده اند و استعفاء داده‌اند همینقدر اظهار تأسف میکنم واما راجع بسؤالی که دارم بنده چند وقت قبل‌از این یعنی ۶ ربیع‌الثانی از وزیر داخله درباب مقدمات اغتشاش که‌در قزوین بتوسط عزیزالله خان جلیل وند فراهم شده‌است سؤال کردم وتا کنون حاضر نشده‌اند ازبرای آنجواب استدعامیکنم که اطلاع بدهید حاضر بشوند از برای آنجواب ویك سؤال ازوزارت خارجه از بابت فتوای شیخ‌الاسلام عثمانی راجع بجواهرات مشاهر مشرفه عتبات نموده اند زودتر حاضر شود که جواب بدهد.

رئیس — همان‌وقتی که سؤال کردید بوزارت خارجه فرستاده شد ودرباب سئوال اول بازهم تأکید می‌شود — آقای بهجت راجع بچه مطلب حرف داشتید.

بهجت - راجع بکمیسیون انتخابات - رئیس بفرمائید.

بهجت - چون بطور اجمال مذاکره شد که بعضی اعضاء کمیسیون انتخابات حاضر نمی‌شوند بنده ازاعضاء کمیسیون انتخابات هم وهفته سه‌روزازابتدای آنوقت که معین‌شده است حاضر شده‌ام تاحوزه بندی نشود انعقادجلسات مرتب نخواهدشد اینمسئله‌رااعضاء کمیسیونهم مسبوق هستندباید اخطار بشودبوزارت داخله که‌حوزه‌هارامعین بکند والان که دونفرازاعضاء کمیسیون اگر حاضر نباشد اکثریت که حاضر شد میتواند مذاکره کند ورأی بدهد.

رئیس - خوب کمیسیون انتخابات مطالبی که دارد روی کاغذ بیاورد بنده می‌دهم بنویسند دستور جلسات بعد شنبه ۲۲ (۱) لایحهٔ استقراض (۲) قانون ثبت اسناد دستور سه‌شنبه ۲۵

(۱) راپورت شعبه پنجم راجع بنماینده گردسی (۲) بقیه‌شور اول درقانون پستی (۳) راپورت کمیسیون بودجه راجع بورثه دکتر مورل — پنجشنبه ۲۷ — (۱) شور دویم درقانون استخدام (۲) بقیهٔ شور اول درقانون پستی — دوفقره تقاضا شده است یکی از ادیب‌التجار ویکی‌هم ازحاجی شیخ‌اسدالله که چندنفر هم امضاء کرده‌اند ادیب التجار تقاضا کرده است که لوایحی که بایدبه‌نجف‌اشرف فرستاده شود جزءدستور سه‌شنبه ۲۵ گذاشته شود حاج شیخ‌اسدالله تقاضا کرده است راپورت کمیسیون بودجه راجع بامتداد سیم‌از عراق بخونسار جزو دستور پنجشنبه ۲۷ گذاشته‌شود — چون عده کافی‌نیست نمی‌توانیم رأی بگیریم.

هشترودی — بنده‌هم در کمیسیون انتخابات هستم که در کمیسیون عدلیه خود طوری شده است که اوقات انعقاد جلساتش دریکوقت شده است‌ازاینجهت بنده‌از کمیسیون عدلیه استعفاء میدهم‌بلکه‌در کمیسیون انتخابات کاری بکنم.

رئیس — حالا که اوقات کمیسیونها معین‌نشده است بهتر اینستکه تأمل کنید وسائل کمیسیون ها اوقات انعقاد کمیسیونها را معین بکنند آنوقت‌اگر منافات‌داشت وقت انعقاد این‌دو کمیسیون استعفاء کنید

مجلس یکساعت ازشب‌ختم‌شد).

جلسه ۲۳۸

صورت مشروح روزشنبه ۲۲ شهر ربیع‌الثانی ۱۳۲۹

مجلس سه ساعت ونیم قبل ازغروب بریاست آقای موتمن‌الملك منعقد وسه ساعت قبل ازغروب رسماً تشکیل شد.

آقای معاضدالملك صورت‌مجلس قبل راقرائت کرد اسامی غایبین جلسه قبل بترتیب ذیل قرائت شد.

آقایان حاج وکیل‌الرعایا — اسدالله خان - دهخدا - آقاسید محمدباقرادیب - حاج امام‌جمعه بدون اجازه.

آقایان معین‌التجار - حاج‌شیخ علی‌خراسانی با اجازه غایب بودند و آقایان آقا میرزا ابراهیم قمی — دکتر حاج رضا خان نیم ساعت و حاج‌آقا بعد ازموقع مقرر حاضر شدند.

حاج‌امام جمعه - بطوریکه مسبوقیدعرض هم کرده بودم بنده ناخوش بودم و پریروز که نیامده بودم بواسطه ناخوشی بود.

رئیس - عرض کردم‌این راجع باداره‌مباشرت